۹



حضرت فاطمه زهرا (س)

قاسم خانجانی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطمه‌زهرا سلام‌الله‌علیها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹)

نویسنده:

قاسم خانجانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فاطمه‌زهرا سلام‌الله‌علیها دختر رسول خدا (ص) – زنان اسوه (۹)

مشخصات کتاب

سرشناسه : خانجانی، قاسم، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور : فاطمه‌زهرا سلام‌الله‌علیها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹)/ قاسم خانجانی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.

فروست : زنان اسوه؛ ۹.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۵۳-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/خ۲۸ف۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۲۶۱۴۲

ص:۱

دیباچه

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

حضرت فاطمه زهرا، صدیقه طاهره (علیها السلام) ، دختر رسول خدا (ص) ، نمونه روشن ایمان و تقوا و اسوه تمام‌عیار زنان و مردان مؤمن است. کمال وجودی این بانو سبب شد تا خدای متعال با اراده تخلف‌ناپذیر خود موهبت «طهارت از هرگونه پلیدی» را به او عطا کند و او را سرور زنان عالم و از مظاهر جلال و جمال خویش قرار دهد تا جایی‌که رضا و غضب او معیار حق و باطل و میزان اعمال و اوصاف دیگران قرار گیرد و این خود نشانه کامل عصمت آن دخت یگانه رسالت و کوثر است که خدای متعال در مقام امتنان، او را به حضرت ختمی‌مرتب هدیه فرمود.

برای درک ژرفای اقیانوس این بانوی کوثر، منبعی بهتر از قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیست. در قرآن کریم آیات بسیاری به صورت تأویل بر آن حضرت

ص:۸

منطبق شده و در روایات نیز به مقام‌های معنوی بی‌شمار ایشان توجه شده است.

نوشتار حاضر، در معرفی این بانوی بی‌بدیل است که بیشتر با تکیه بر منابع اهل سنت به قلم محقق گرامی حجت الاسلام و المسلمین دکتر قاسم خانجانی نوشته شده است.

امید است این نوشته، مورد توجه آن بانوی کرامت قرار گیرد و در شناسایی شمه‌ای از شخصیت آن حضرت برای خوانندگان محترم مفید واقع شود.

در پایان مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند که از زحمات بی‌شائبه پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر خانجانی و تمام کسانی که در به ثمررسیدن این اثر تلاش کردند سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص:۹

درآمد

در زمانی که تولـد دختر در خانواده عرب جاهلی، مصـیبتی بزرگ بود، در همان زمان‌که زنـده به گور کردن دختران، امری رایج و زشتی آن از میان رفته بود و در عصـری که خبر تولـد دختر، چهره پـدران نالایق را از شدت خشم سیاه می‌کرد؛ در همان زمان، در خـانه‌ای در مکه، دختری پا به عرصه وجود می‌گـذارد که نه تولـدش مصـیبت است، نه زنـده به گور کردنش روا و نه خبر تولـدش سیاهی بر چهره پدر می‌نشاند. بلکه به عکس او دختری است که تولدش پدر را غرق در شادی و سرور می‌کند.

دختری که نور چشم پدر می‌شود و پاره تن او.

دختری که زندگی‌اش به زندگی معنا می‌بخشد و مرگش، شادی‌ها را به کام مرگ می‌کشاند.

دختری که کوثر است و خیر کثیر.

ص:۱۰

دختری که میزان خشنودی و خشم خداست.

آری! او فاطمه است.

دردانهٔ پیامبر (ص) ، فاطمهٔ اطهر.

آری او فاطمه است.

ص:۱۱

مقدمه

تاریخ زندگی بزرگان و رهبران دینی، بدون در نظرگرفتن زن یا مرد بودنشان، سراسر درس و عبرت است. ازاین‌رو همچنان‌که پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی، عیسی (علیهم السلام) و سرآمد آنان حضرت محمد (ص) الگوی بشرند، زنانی همچون آسیه، مریم، خدیجه و سرآمد آنان حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز الگوی انسان‌هایند.

در صورتی زندگی این بزرگان می‌تواند برای ما الگو باشد که از زندگی آنان آگاهی درستی داشته باشیم. بر این اساس، هر قدر آگاهی ما از زندگانی رهبران و بزرگان دینی بیشتر و دقیق‌تر باشد، به همان میزان بهره‌مندی ما از این الگوها بیشتر خواهد شد.

زندگی نورانی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز از این قبیل است که جا دارد به دقت بررسی شود تا سرمشق

ص:۱۲

زنـدگی‌مان باشـد. البته بـا تـأسف فراوان بایـد گفت پس از رحلت رسول‌خـدا (ص) و در سـده نخستین گسترش اسـلام، منع نقل و کتابت حدیث اهل بیت (علیهم السـلام) و جعل احادیث ساختگی ضـربه جبران‌ناپذیری بر تاریخ زندگی اهل بیت (علیهم السـلام) و معارف اسلامی وارد کرد و بسیاری از گزارش‌های درست تاریخ زندگی اهل‌بیت (علیهم السلام) را به دست فراموشی سپرد.

تاریـخ زندگی حضـرت فاطمه (علیها السـلام) نیز از این امر در امان نماند و بسـیاری از گزارش‌های مربوط به زندگی ایشان، به‌ویژه در منابع نخستین تاریـخ، تحریف یا حـذف شـد. با این حال، بخش اندکی از آن تاریخ تابناک نیز که در منابع آمده است، می‌تواند الگوی بسـیار خوبی برای مـا باشـد. مـا در این اثر کوشـیده‌ایم که مطالب را به دور از تعصب، همراه با انصاف و بر پایه گزارش‌های معتبر سامان دهیم.

بنـابراین بیشتر از منـابع تـاریخی کهن اهل سـنت اسـتفاده شـده است و جز در برخی موارد که به دلیل کاستی‌زیاد یا احتمال تحریف گزارش‌های تاریخی، از منابع شیعی استفاده شده است.

کتاب‌های بسیاری درباره زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) به زبان‌های مختلف نگاشته شده است که

ص:۱۳

ابتدا تصور می‌شود، شاید این موضوع بی‌نیاز از تحقیق و نگارش باشد، درحالی‌که با اندک تأمل فهمیده می‌شود برخی از این نوشته‌ها برای همه سطوح جامعه درخور استفاده نیست.

داشتن نگاهی متفاوت در نگارش شرح حال آن حضرت، تفصیل برخی نوشته‌ها، نپرداختن به برخی زوایای زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) ، استفاده نکردن یا استفاده اندک از منابع اهل سنت، استناد به برخی گزارش‌های سست در پاره‌ای از نوشته‌ها و تخصصی بودن تعدادی از کتاب‌ها، از دلایلی بوده که ضرورت نگارش چنین نوشته‌ای را به وجود آورده است.

با این توضیح، نوشته حاضر ضمن پرداختن به مباحث مهم زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) ، روان بودن، سادگی، اختصار و مستند بودن به منابع را رعایت کرده و بیشتر ارجاع مطالبش، به منابع اهل‌سنت است.

گفتنی است چون این پژوهش بیشتر بر پایه منابع اهل سنت بوده، حجم برخی مباحث آن نیز کم شده است. درحالی‌که همین مباحث در منابع شیعی با تفصیل بیشتری مطرح شده‌اند.

ص:۱۴

ص:۱۵

آشنایی با زندگی شخصی و خانوادگی فاطمه (علیها السلام)

الف) ولادت، نام، لقب، شهرت و جایگاه

پدر بزرگوار حضرت فاطمه (علیها السلام) ، رسول‌خدا (ص) ، خاتم پیامبران و اشرف رسولان الهی است که قرآن، او را برترین الگو و اسوهٔ حسنه معرفی کرده است.(۱)

مادر حضرت فاطمه (علیها السلام) ، حضرت خدیجه (علیها السلام) دختر «خُوَیلدبن‌اسد» است.

حضرت خدیجه (علیها السلام) از زنان بزرگی بود که هیچ‌گاه به شرک و بت‌پرستی نگرایید و نخستین زنی بود که اسلام آورد و با تمام وجود از اسلام حمایت کرد.

۱- لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ لِمَنْ کانَ یرْجُوا اللّهَ وَ الْیوْمَ الآخِرَ وَ ذَکَرَ اللّهَ کَثِیراً ؛ «به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» . احزاب:۲۱

ص:۱۶

شاید بدین‌سبب هرگاه جبرئیل بر رسول‌خدا (ص) نازل می‌شد، سلام خداوند را به حضرت خدیجه (علیها السلام) می‌رساند و او را به جایگاه ویژه‌ای در بهشت بشارت می‌داد.(۱)

در تعیین زمان تولد حضرت فاطمه (علیها السلام) اختلاف است. این اختلاف سبب شده است درباره زمان شهادت و مدت عمر آن حضرت نیز نظرات متفاوتی بیان شود. گفتنی است این اختلاف، هم در منابع اهل‌سنت و هم در منابع شیعی وجود دارد.

بنابر نظر مشهور شیعه، آن حضرت در سال پنجم بعثت ولادت یافت.(۲)برخی منابع شیعی نیز سال دوم بعثت را سال ولادت ایشان دانسته‌اند.(۳)در بیشتر منابع به روز تولد ایشان اشاره نشده است، اما تعدادی از منابع شیعی روز تولد ایشان را بیستم جمادی‌الثانیه آورده‌اند. (۴)

نظر مشهور اهل سنت این است که حضرت

۱- ر. ک: المصنف، ابن ابی‌شیبه، ج ۷، ص ۵۳۹؛ مسند، احمد بن حنبل، ج۲، ص ۲۳۱؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص۱۳۳.

۲- الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الهدایهٔ الکبری، خصیبی، ص ۱۷۵؛ مسارّالشیعه، شیخ مفید، ص۵۴.

۳- مصباح المتهجد، طوسی، ص ۷۹۳.

۴- همان؛ دلائل الامامه، طبری، ص ۷۹.

ص:۱۷

فاطمه (علیها السلام) پنج سال پیش از بعثت و به هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش (زمانی که رسول‌خدا (ص) ۳۵ سال داشته) به دنیا آمده است.(۱)تعدادی از منابع اهل سنت بدون اشاره به همزمان بودن ولادت ایشان با بازسازی کعبه به دست قریش، تنها به تولد ایشان، پنج سال پیش از بعثت، اشاره کرده‌اند.(۲)همچنان‌که برخی نیز بدون اشاره به سال تولد ایشان، تنها به همزمان بودن ولادت ایشان با بازسازی کعبه اشاره کرده‌اند. (۳)

البته زمان تولد ایشان را سال‌های دیگری هم گفته‌اند؛ چنان‌که هفت سال و نیم پیش از بعثت(۴)و چهار سال پیش از بعثت هم گفته شده است.(۵)براساس برخی منابع، تولد ایشان در ۴۱ سالگی رسول‌خدا (ص) بوده است(۶)که در این صورت یک سال

۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۶؛ معرفهٔ الصحابه، ابونعیم، ج ۶، ص۳۱۸۷.

۲- المنتظم، ابن جوزی، ج ۴، ص ۹۵.

۳- عمدهٔ القاری، عینی، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۴- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیتمی، ج ۹، ص ۲۱۱؛ عمدهٔ القاری، ج۱۶، ص ۲۴۹.

۵- ذکر اخبار اصفهان، ابونعیم، ج ۱، ص ۱۸۳.

۶- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۴۴۸؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۵۷؛ ذخائر العقبی، طبری، ص ۲۶.

ص:۱۸

پس از بعثت می‌شود؛ چنان‌که برخی نیز بـدون اشاره به سال آن، تنها به ولادت ایشان پس از نزول وحی اشاره کرده‌انـد.(۱)تعدادی از منابع اهل سنت نیز بدون آنکه زمانی را ترجیح دهند، همه موارد یاد شده را آورده‌اند. (۲)

شواهـد و قراینی در گزارش‌هـای تـاریخی وجـود دارد که براسـاس آنهـا می‌توان نـتیجه گرفت که تولـد آن حضـرت پیش از بعثت رسول‌خـدا (ص) نبوده است. همچنـان‌که می‌توان احتمال داد پنـج سال پس از بعثت نیز نبوده است. بلکه در سال‌های ابتـدای بعثت، مثلاً در سال اول یا دوم بعثت بوده است؛ چنان‌که برخی منابع شیعه (۳)و اهل‌سنت (۴)نیز بدان اشاره کرده‌اند.

ب) شیرخوارگی حضرت فاطمه (علیها السلام)

از نکات درخور توجه زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) ، دوران شیرخوارگی آن حضرت است. با آنکه سپردن

۱- ر. ك: جمهرة النسب، ابن كلبی، ج ۱، ص ۱۸؛ مروج الذهب، مسعودی، ج۲، ص ۲۹۲.

۲- ر. ك: امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۵، ص ۳۵۱؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج ۱۱، ص۳۷.

۳- مصباح المتهجد، ص ۷۹۳.

۴- المستدرك، حاكم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ الاستیعاب، ج۴، ص ۴۴۸.

ص:۱۹

نوزادان به دایه برای شیرخوردن، کاری رایج و عادی در آن دوران بود و حتی رسول‌خدا (ص) را نیز به همین منظور به «حلیمه سعدیه» سپردند، اما مادر بزرگوار حضرت فاطمه (علیها السلام) ، به این موضوع توجه ویژه‌ای داشت و از این‌رو گفته‌اند که آن حضرت، فرزندانش را برای شیر خوردن به دایه می‌سپرد؛ جز حضرت فاطمه (علیها السلام) را که خودش شیر داد.(۱)

ج) نام‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

فاطمه، رایج‌ترین و مشهورترین نامی است که برای این دختر بزرگوار رسول‌خدا (ص) گفته‌اند. براساس روایات مشهور و موجود در منابع اهل سنت و شیعه، علت نام‌گذاری آن حضرت این است که خداوند متعال آن حضرت و شیعیانش را از آتش دوزخ دور می‌کند و نجات می‌دهد(۲)؛ زیرا فاطمه در لغت از «فطم» به معنای جدا شدن و بریدن آمده است.(۳)

۱- تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۳، ص ۱۲۸؛ البدایهٔ و النهایه، ابن‌کثیر، ج ۵، ص۳۲۸.

۲- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۲، ص ۳۲۸؛ امتاع‌الاسماع، ج ۴، ص۱۹۶؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۵۲؛ فیض القدیر، مناوی، ج۱، ص ۲۱۷.

۳- لسان العرب، ابن منظور، ماده «فطم» ، ج ۱۲، ص ۴۵۴.

ص:۲۰

البته به تناسب معنای لغوی فاطمه، روایات مختلفی در دست است که بر معانی دیگری نیز دلالت می‌کند؛ از جمله آنکه به ایشان فاطمه گفته‌اند چون دیگران از رسیدن به معرفت ایشان دورند و توان شناخت ایشان را ندارند.(۱)یا بدان سبب به ایشان فاطمه گفته‌اند که او از شرک و بت‌پرستی جدا و بریده بوده یا خداوند او را از شرک بریده است. (۲)

همچنین براساس روایتی از امام باقر (ع) ، به ایشان فاطمه گفته‌اند، چون خداوند ایشان را به سبب علمش از دیگران جدا و از ناپاکی‌های زنانه دور کرده است. (۳)به هرحال، هر یک از این معانی در نظر باشد، یک مفهوم مشترک را می‌توان برای آنها در نظر گرفت که آن حضرت از هر ناپاکی ظاهری و باطنی، شرک و بت‌پرستی دور بود و چنان شخصیت ممتازی دارد که شناخت واقعی ایشان برای دیگران آسان نیست.

البته براساس برخی روایات، پس از آنکه حضرت فاطمه (علیها السلام) ولادت یافت، رسول خدا (ص) نام ایشان را «منصوره» گذاشت. اما جبرئیل نازل شد و به

۱- تفسیر فرات، فرات کوفی، ص ۵۸۱.

۲- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ دلائل الامامه، ص ۸.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۲.

ص:۲۱

رسول‌خدا (ص) گفت: «خداوند به تو و مولود تو سلام می‌رساند و می‌فرماید نام این مولود را فاطمه بگذار» . (۱)

بنـابر نقلی دیگر، نـام آن حضـرت در آسـمان منصوره و در زمین فاطمه است.(۲)به‌هرحـال نام‌های ایشان را فاطمه و فاطم گفته‌انـد. ممکن است در پاره‌ای منابع، برخی القاب آن حضـرت را جزو نام‌های ایشان آورده باشـند یا برخی نام‌ها و لقب‌ها، به‌جای یکـدیگر به کار رفته باشد که چندان مهم نیست. به‌هرحال، نام مشـهور ایشان، فاطمه، لقب مشـهور ایشان «زهرا» و کنیه مشهور ایشان «امابیها» است.(۳)

گفتنی است که برخی منابع شیعه با استفاده از آیات و روایات برای آن حضرت حدود دویست نام، لقب و کنیه برشمرده‌اند.(۴)

د) القاب حضرت فاطمه (علیها السلام)

حضـرت فاطمه (علیها السـلام) دارای کمالات روحی و معنوی بسـیاری بود. ازاین‌رو، برای ایشان لقب‌های بسـیاری برشـمرده‌اند که تعدادی از این القاب به شکل پراکنده

۱- میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۳، ص ۴۳۰.

۲- تفسیر فرات، ص ۳۲۲؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۹۷.

۳- معجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۲، ص ۳۹۷.

۴- الاسرار الفاطمیه، محمدفاضل مسعودی، ص ۲۷۹.

ص:۲۲

در منـابع آمـده است. برخی از این القـاب عبارت‌انـد از: بتول، زهرا، زهره، طاهره، طهر، علیمه، عالمه، حکیمه، زاهره، محـدَّثه، تقیّه، نقیّه، سیّده، زاهده، مضطهده، حلیمه، مظلومه، شهیده و مواردی دیگر.

ه) کنیه‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

کنیه نامی است که با «ابو» ، «ابی» ، «ابا» ، «ام» ، «ابن» و «بنت» آغاز می‌شود و معمولاً در زبان عربی، افراد برای شرافت یا شهرت‌های دیگری به پـدر، مـادر، فرزنـد یا موضوع ویژه‌ای منتسب و به آن خوانـده می‌شونـد و چه بسا افرادی که به دلایل مختلف، چنـد کنیه دارند.

حضـرت فاطمه (علیها السلام) به دلیل داشتن ویژگی‌های مختلف، کنیه‌های بسیاری دارند که تعدادی از آنها عبارت‌اند از: ام‌الائمه، ام‌ابیها، ام‌اسـماء، ام‌الفضائل، ام‌التقی، ام‌النقی، ام‌العطیه، ام‌الرأفه، ام‌الموانح، ام‌البدیه، ام‌النورین، ام‌العلاء، ام‌الرواق الحسـیبه، ام‌الهادی، ام‌البرکات، ام‌البدریین و ام‌الرحبه.(۱)

۱- الهدایهٔ الکبری، خصیبی، ص ۱۷۶.

ص:۲۳

جایگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)

الف) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه قرآن

اشاره

در قرآن کریم از حضرت فاطمه (علیها السلام) نامی برده نشده است، اما مفسران نزول برخی از سوره‌ها و آیات قرآن را در شأن آن حضرت می‌دانند. براساس برخی منابع، شأن نزول بیش از پنجاه آیه یا اختصاص به حضرت فاطمه (علیها السلام) دارد یا مشترک بین ایشان و سایر اهل‌بیت (علیهم السلام) است.(۱)

البته این موارد به جز آیاتی است که درباره مؤمنان، پرهیزکاران، صالحان، اهل یقین و سایر افراد نیکوکار نازل شده است؛ زیرا در این آیات نیز یکی از افراد مورد خطاب، حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ چرا که ایشان

۱- الخصائص الفاطمیه، کجوری، ج ۲، ص ۳۹۰.

ص:۲۴

از برترین مؤمنان، صالح‌ترین افراد و باتقواترین زنان بوده‌اند و طبیعی است که در آیات یادشده، به‌عنوان مهم‌ترین مصداق، مورد خطاب باشد. البته در این بخش، بحث درباره سوره‌ها یا آیاتی است که حکم کلی ندارند و مستقیم یا غیر مستقیم با شخص حضرت فاطمه (علیها السلام) ارتباط دارند و به شکلی مربوط به آن حضرت می‌شوند.

با توجه به آنکه تعداد این آیات بسیارند و اشاره به تمام آنها در این نوشتار نمی‌گنجد، در اینجا در نهایت اختصار تنها به سوره‌ها و برخی از این آیات اشاره می‌شود:

یک – سوره کَوثَر (۱)

عموم مفسران شیعه و اهل سنت این سوره را در شأن حضرت فاطمه (علیها السلام) دانسته‌اند. کَوثَر بر وزن فَوعَل به معنای زیادی در کثرت است. (۲)کوثر را خیر کثیر معنا کرده‌اند و چون خداوند به رسول خدا (ص) می‌فرماید ما به تو کوثر عطا کردیم، یعنی خیر کثیر دادیم.

۱- سوره ۱۰۸ قرآن کریم.

۲- تفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

ص:۲۵

بنابر گزارش‌های تاریخی، چون قاسم و عبدالله، پسران رسول‌خدا (ص) ، زود از دنیا رفتند، برخی از دشمنان رسول‌خدا (ص) به تحقیر و تمسخر آن حضرت پرداختند و ایشان را ابتر (کسی که نسلش ادامه ندارد) خواندند. ازاین‌رو، سوره کوثر نازل شد و ضمن اعلام بخشیدن کوثر (حضرت فاطمه (علیها السلام)) به آن حضرت، شماتت‌کنندگان رسول‌خدا (ص) را ابتر دانست.

«فخر رازی» در سبب نزول این سوره شش قول را به تفصیل آورده و گزارش‌هایی نقل کرده است که سخن مشترک این اقوال، تمسخر و تحقیر رسول‌خدا (ص) از سوی مشرکان و دشمنان بوده است. وی با بیان یکی از این اقوال می‌گوید:

گفته‌اند عاص‌بن‌وائل (پدر عمروبن‌عاص) به سران مشرک قریش می‌گفت: «محمد ابتر است و پسری ندارد که جانشین او شود و اگر رحلت کند نسل پسری او قطع شده است و شما راحت می‌شوید». (۱)سپس سوره کوثر نازل شد و به مشرکان و دشمنان رسول‌خدا (ص) پاسخی دندان‌شکن داد که اگر چه رسول‌خدا (ص) پسر ندارد، اما دخترش برای او خیر

۱- تفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۳۲؛ السیرهٔ النبویه، ابن‌کثیر، ج ۴، ص ۶۰۷. با اندکی تصرف

ص:۲۶

فراوان دارد. از آنجا که این سوره در رد قول افرادی است که آن حضرت را به نداشتن اولاد عیب می‌گرفتند، پس معنایش این است که به آن حضرت نسل و فرزندان بسیاری عطا می‌شود. ببینید چقدر از اهل بیت را تا به حال به قتل رسانده‌اند. اما با این حال دنیا پر از نسل رسول‌خداست. درحالی‌که از بنی‌امیه که عاص‌بن‌وائل از آن تیره بود، هیچ‌کس که قابل اعتنا باشد باقی نمانده است.(۱)

دو – سوره انسان یا دهر(۲)

براساس برخی روایات تاریخی و برخی تفاسیر، روزی امام‌حسن و امام حسین (علیهما السلام) در کودکی بیمار شدند و رسول‌خدا (ص) از آنان عیادت کرد و به امیرمؤمنان (ع) توصیه فرمود تا برای بهبود حال آن دو نذر کند. ازاین‌رو امیرمؤمنان (ع) ، حضرت فاطمه (علیها السلام) و فضّه (کنیز آنان) نذر کردند که اگر آن دو بهبود یابند، سه روز را روزه بگیرند.

به هنگام افطار روز نخست، مسکینی به در خانه آمد و تقاضای غذایی کرد و آنان غذای خود را به آن مسکین دادند. روز دوم هم یتیمی از آنان تقاضای غذا

۱- تفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۶.

۲- سوره ۷۶ قرآن کریم.

ص:۲۷

کرد و آنـان غـذای خـود را بـه او بخشـیدند و در روز سوم نیز اسـیری تقاضـای غـذا کرد و آنـان غـذای خـود را بـه او دادنـد و بـدین‌صورت، آنـان سه روز روزه گرفتنـد، درحالی‌که افطار خود را در راه خـدا دادنـد و سوره دهر، به ویژه آیات زیر در شأن آنان نازل شد:

وَ یُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکِیناً وَ یَتِیماً وَ أَسِیراً * إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً (انسان: ۸ و ۹)

و غـذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارنـد، به مسـتمند و یتیم و اسیر می‌دهنـد. [و می گویند:] ما شـما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

نزول این آیات، افتخاری دیگر برای اهل بیت و حضرت فاطمه (علیها السلام) بود.(۱)

البته برخی مفسـران تمام سوره را درباره این ماجرا می‌دانند(۲)و برخی گفته‌انـد تعداد دیگری از آیات، از جمله آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسـان؛ یعنی از إِنَّ الأَبْرارَ یَشْرَبُونَ مِنْ کَأْسٍ کـانَ مِزاجُهـا کـافُوراً ؛ «به یقین ابرار [و نیکـان] از جامی می‌نوشـند که با عطر خوشـی آمیخته

۱- تفسیر سمعانی، ج ۶، ص ۱۲۴؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی، ج۵، ص ۴۲۸.

۲- الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۱۶۹.

ص:۲۸

است» . (انسان: ۵) تا آیه إِنَّ هذا کانَ لَکُمْ جَزاءً وَ کانَ سَعْیُکُمْ مَشْکُوراً ؛ «این پاداش شماست و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است» . (انسان: ۲۲) در شأن آنان نازل شده است.

سه - آیه تطهیر

از آیات بسیار مشهور درباره رسول‌خدا (ص) و اهل‌بیت آن حضرت که آنان را به پاکی و طهارت ستوده، آیه تطهیر است.(۱)

براساس روایات فراوانی که نقل شده است، رسول‌خدا (ص) به حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود:

همسر و دو پسرت را بیاور. چون آنان را حاضر کرد، رسول‌خدا (ص) عبایی روی آنان انداخت و دست مبارک را روی آنان گذاشت و فرمود: «خدایا اینان اهل بیت من هستند، درود و برکات خود را بر آنان بفرست» .

یا فرمود: «اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنان دور کن و آنان را به خوبی پاک گردان» . سپس این آیه نازل شد.(۲)

۱- خداوند می‌فرماید: إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً ؛ «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» . احزاب:۳۳

۲- جامع البیان، طبری، ج ۲۲، ص ۱۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۳، ص۵۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۴۹۴.

ص:۲۹

اگرچه برخی از تفاسیر اهل سنت در توضیح و محدوده معنای اهل بیت، سخنان نادرستی آورده‌اند، اما مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل‌سنت، مصداق اهل‌بیت را تنها رسول‌خدا (ص) ، امیرمؤمنان علی (ع) ، حضرت فاطمه (علیها السلام) ، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) می‌دانند و نزول این آیه را درباره هرکس دیگری رد کرده‌اند.

از «ام‌سلمه» ، همسر رسول‌خدا (ص) ، نقل شده است که آیه تطهیر زمانی نازل شد که من نزدیک در خانه نشسته بودم. چون این آیه نازل شد من از رسول‌خدا (ص) پرسیدم: «آیا من از اهل بیت نیستم؟» فرمود: «تو در مسیر خوبی و نیکی هستی و از همسران پیامبری» . ام‌سلمه گوید: «در خانه پیامبر (ص) ، علی (ع) ، فاطمه (علیها السلام) ، حسن (ع) و حسین (ع) حضور داشتند» .

چهار – آیه مودّت

آیه دیگری که در شأن حضرت فاطمه (علیها السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده، آیه مودّت است.(۱)در سبب

۱- قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ ؛ «بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم اهل بیتم و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزاییم، چرا که خداوند آمرزنده و قدردان است» . شوری: ۲۳ .

ص:۳۰

نزول این آیه گفته‌اند که یک نفر اعرابی خدمت رسول‌خدا (ص) آمد و عرض کرد:

ای محمـد! اسـلام را بر من عرضه کن. آن حضـرت فرمود: «شـهادت بده که خدایی جز الله نیست که شـریک ندارد و محمد بنده و فرسـتاده اوست» . سـپس اعرابی گفت: «از من اجرتی بخواه» . فرمود: «نه، مگر دوستی با نزدیکان» . پرسید: «نزدیکان من یا نزدیکان تو؟» فرمود: «نزدیکان من» . گفت: «دسـتت را بیاور تا با تو بیعت کنم. لعنت خـدا بر کسـی باد که تو و نزدیکانت را دوست ندارد» . رسول‌خدا (ص) فرمود: «آمین» .

«زمخشری» گوید:

هنگامی که این آیه نازل شد، از رسول‌خدا (ص) پرسـیدند: «این نزدیکان که دوستی با آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی‌اند؟» فرمود: «علی (ع) و فاطمه و دو پسران آن دو» .(۱)

برخلاف نظر برخی علمای اهل سـنت که به این‌گونه روایت‌ها اشکال می‌گیرند و آنها را رد می‌کنند، دوستی و محبت در این آیه و خطاب آن، چنان آشـکار است که در برخی منابع اهل سنت، روایت مشهور مربوط به آثار محبت به آل محمد (ص) را که در منابع شیعی به تفصیل

۱- الکشاف، ج ۳، ص ۴۶۷؛ نیز ر. ک: معجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۵۲؛ تفسیر نسفی، ج ۴، ص ۱۰۱.

ص:۳۱

آمده است، در ذیل همین آیه آورده‌اند.(۱)

۱- رسول خدا ص فرمود: «مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد مَاتَ شَهِیداً. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد مَاتَ تَائِباً. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَکْمِلَ الإِیمَانِ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد بَشَّرَهُ مَلَکُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّهِْ ثُمَّ مُنْکَرٌ وَ نَکِیرٌ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد یُزَفُّ إِلَی الْجَنَّهِْ کَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ إِلَی بَیتِ زَوْجِهَا. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد فُتِحَ لَهُ فِی قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَی الْجَنَّهِْ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد جَعَلَ اللهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلائِکَهِْ الرَّحْمَهِْ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّد مَاتَ عَلَی السُّنَّهِْ وَ الْجَمَاعَهِْ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی بُغْضِ آلِ مُحَمَّد جَاءَ یوْمَ الْقِیامَهِْ مَکْتُوبٌ بَینَ عَینَیهِ آیسٌ مِنْ رَحْمَهِْ اللهِ. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی بُغْضِ آلِ مُحَمَّد مَاتَ کَافِراً. أَلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَی بُغْضِ آلِ مُحَمَّد لَمْ یَشُمَّ رَائِحَهَْ الْجَنَّهِْ» ؛ «کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی‌که شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی‌که گناهان او آمرزیده شده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی‌که از گناهان خویش [به سوی خدا] توبه کرده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی‌که دارای ایمان کامل بوده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، عزرائیل ع که قابض ارواح است [پیش از قبض نمودن روح او] و نکیر و منکر که دو فرشته موکل به سؤال در قبرند او را به دخول به بهشت بشارت دهند. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، او را با جلالت به سوی بهشت می‌برند، همان‌گونه که عروس را به خانه شوهر می‌فرستند. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، دو در از بهشت به روی او گشوده می‌شود. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی‌که به سیره و روش پیغمبر و جماعت حق از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای بغض و دشمنی به آل محمد علیهم السلام باشد، روز قیامت بیاید [در صحرای محشر] درحالی‌که بین چشمان او در -

ص:۳۲

پنج – آیه مباهله

(۱)(۲)

آیه دیگری که بخشی از شخصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن آشکار شده، آیه مباهله است. (۳)این آیه مربوط به جریان مشهور مباهله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران است.(۴)

۱- پیشانی‌اش نوشته شده است: «این ناامید از رحمت پروردگار است» . آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای خشم و دشمنی با آل محمد علیهم السلام باشد، به حال کفر از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای بغض و عداوت با آل محمد علیهم السلام باشد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» ؛ ر. ک: الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، ثعلبی، ج ۸، ص ۳۱۴؛ تفسیر الکبیر، ج۲۷، ص ۱۶۶؛ تفسیر، ابن‌عربی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲- مباهله از ماده «بهل» به معنای لعنت و نفرین‌کردن است و مباهله از باب مفاعله، به لعنت و نفرین‌کردن دو نفر یا دو گروه ضد یکدیگر و پافشاری بر نفرین گفته می‌شود.

۳- خداوند می‌فرماید: فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبِینَ ؛ «هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، [باز] کسانی درباره مسیح با تو به ستیز برخیزند، بگو: «بیایید ما پسران خود را دعوت کنیم، شما نیز پسران خود را. ما زنان خود را دعوت نماییم شما نیز زنان خود را. ما از نفوس خود [و کسی که همچون جان ماست]، شما نیز از نفوس خود. آن‌گاه مباهله [و نفرین] کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم» . آل‌عمران:۶۱ .

۴- بیشتر منابع، روز انجام مباهله را روز ۲۴ ذی‌حجه گفته‌اند، اما درباره سال مباهله اختلاف وجود دارد و آن را در سال سوم، هشتم، نهم و دهم هجرت آورده‌اند که به دلایلی، از جمله گرفتن جزیه از اهل نجران که سال نهم بوده است و نیز سال نهم را سال وفود می‌دانند، به نظر می‌رسد سال نهم درست‌تر باشد. برای زمان و چگونگی مباهله، ر. ک: السیرةالنبویه، ابن‌هشام، ج ۲، صص ۲۳۲و۲۳۳، که متأسفانه ابن‌هشام به جزئیات ماجرا اشاره نکرده است؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج ۵، صص۳۸۲-۳۹۳.

ص:۳۳

بحث درباره این ماجرا و تفسیر این آیه، نیاز به نوشته‌ای جداگانه دارد. اما به ناچار و در نهایت اختصار، تنها به آن بخش اشاره می‌شود که به حضرت فاطمه (علیها السلام) مربوط است.

مسیحیان براساس اعتقاد باطل خود، می‌گفتند حضرت عیسی (ع) پسر خداست و چنین استدلال می‌کردند که نمی‌شود کسی بدون داشتن پدر به دنیا بیاید. ازاین‌رو خداوند متعال در قرآن به رسول‌خدا (ص) دستور داد تا از مسیحیان نجران بخواهد که اگر درباره حضرت عیسی (ع) بر اعتقاد خود باقی‌اند، خود را برای مباهله آماده کنند و طبق این آیه فرمود که خودشان، پسرانشان و زنانشان را برای مباهله حاضر کنند.

هنگامی که رسول‌خدا (ص) این آیه را برای نمایندگان مسیحیان نجران خواند و آنان را به مباهله دعوت کرد، آنان گفتند: «برمی‌گردیم و در کار خود می‌اندیشیم و نزد تو می‌آییم» . سپس آنان از «عاقب» که بزرگ آنان و صاحب‌نظر بود، پرسیدند: «ای عبدالمسیح! نظر تو چیست؟» گفت:

به خدا سوگند! ای گروه نصاری! شما شناخته‌اید که محمد نبی مرسل است و سخن او درباره حضرت

ص:۳۴

عیسی حق است. به خدا سوگند! هیچ قومی با هیچ پیغمبری مباهله نکرد، مگر آنکه بزرگ و کوچکشان از بین رفتند. اگر شما بر دینتان اصرار دارید و بر اعتقادتان پایدارید، با او خداحافظی کنید و به شهرهای خود برگردید.

پس از این بود که دیدند رسول‌خدا (ص) ، امام حسین (ع) را در بغل گرفته و دست امام حسن (ع) را نیز گرفته است و حضرت فاطمه (علیها السلام) از پشت سر او و حضرت علی (ع) پشت سر حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌آیند و رسول‌خدا (ص) به آنان می‌فرماید: «هرگاه من دعا کردم، شما هم آمین بگویید» .

اُسقف چون آن حضرت را بدین حالت دید، گفت:

ای گروه نصاری! من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا برکَنَد، حتماً آن کوه از جای برکنده می‌شود. پس با او مباهله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت در روی زمین یک نفر نصرانی باقی نمی‌ماند.

سپس آنان گفتند: «ای ابوالقاسم! نظر ما این است که با تو مباهله نکنیم و تو را به دین خودت واگذاریم» . رسول‌خدا (ص) فرمود: «اگر مباهله نمی‌کنید

ص:۳۵

پس اسلام بیاورید و در ضرر و منفعت با مسلمانان همراه باشید» . آنان پیشنهاد حضرت را نیز نپذیرفتند. ازاین‌رو رسول‌خدا (ص) آنان را به جنگ فراخواند. آنان گفتند: «ما توان جنگ با عرب را نداریم، اما حاضریم با تو صلح کنیم و حضرت نیز با شرایطی با آنان صلح کرد» .(۱)

بنابراین، از این ماجرا برمی‌آید که آن حضرت در روز مباهله امیرمؤمنان (ع) را به منزله جان خود و امام‌حسن (ع) و امام حسین (ع) را به منزله پسران خود و حضرت فاطمه (علیها السلام) را به منزله زنان خود حاضر کرد.

این جریان، ضمن اثبات حقانیت پیامبر (ص) ، بخشی دیگر از فضیلت‌های بی‌نظیر اهل بیت رسول‌خدا (ص) ، از جمله حضرت فاطمه (علیها السلام) را نیز آشکار ساخت؛ زیرا رسول‌خدا (ص) از میان همسران خود و زنان شایسته مهاجر و انصار، تنها حضرت فاطمه (علیها السلام) را مصداق نِساءَنا در آیه دانست (۲)؛ چنان‌که امیرمؤمنان (ع) را نیز

۱- مدارك التنزيل و حقايق التأويل، نسفی، ج ۱، صص ۱۵۷و۱۵۸؛ تفسيرالكبير، ج ۸، ص ۸۵؛ انوار التنزيل و اسرار التأويل، ج ۲، ص ۴۷.

۲- گرچه برخی گفته‌اند اگر نِساءَنا در کنار «رجالنا» بود به معنای همسران بود، اما چون در کنار أَبْناءَنا آمده به معنای دختران است. اما به هر حال، حتی اگر چنین باشد، از فضیلت حضرت فاطمه علیها السلام چیزی نمی‌کاهد.

ص:۳۶

مصداق أَنْفُسَنا و به منزله جان خودشان و امام‌حسن و امام حسین (علیهما السلام) با آنکه نوه‌های ایشان بودند را مصداق أَبْناءَنا و به منزله پسران خودشان دانست.

شش – آیه ذا القربی

واژه «ذوالقربی» به معنای نزدیکان است و در قرآن کریم در چند مورد، از جمله آیه خمس (۱)و ذوالقربی(۲)آمده است که معمولاً به اهل‌بیت (علیهم السلام) اطلاق می‌شود. البته مصداق بارز آیه ذوالقربی، حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ زیرا در روایات آمده است که چون این آیه نازل شد، رسول‌خدا (ص) حضرت فاطمه (علیها السلام) را فراخواند و فدک را به وی بخشید. (۳)

هفت – آیه ایثار

براساس برخی روایات، مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و از گرسنگی شکایت کرد. آن حضرت او را به خانه

۱- انفال:۴۱.

۲- خداوند می‌فرماید: وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ وَ الْمِسْکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذِیراً ؛ «و حق خویشاوندان را بپرداز و [همچنین حق] مستمند و وامانده در راه را و هرگز اسراف و تبذیر مکن» . اسراء: ۲۶

۳- شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۱، ص ۴۴۰؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص۱۰۷؛ الدرالمنثور، سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷.

ص:۳۷

همسرانش راهنمایی کرد، اما آنان گفتند ما چیزی جز آب نداریم. سپس آن حضرت فرمود: «چه کسی امشب او را میهمان می‌کند؟» امیرمؤمنان (ع) اعلام آمادگی کرد و آن مرد را به خانه برد. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ما چیزی جز غذای فرزندانمان نداریم، اما میهمان را بر خودمان ترجیح می‌دهیم» . امیرمؤمنان (ع) نیز فرمود: «کودکان را بخوابان و من چراغ را برای میهمان خاموش می‌کنم» . آنان چنین کردند و میهمان، غذایش را خورد و چون صبح شد خداوند این آیه(۱)را که به آن آیه ایثار گفته‌اند در شأن آنان نازل فرمود.(۲)

هشت – آیه اعطاء

در برخی تفاسیر اهل سنت آمده است که روزی رسول‌خدا (ص) بر امیرمؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (علیها السلام)

۱- خداوند می‌فرماید: وَ الَّذِینَ تَبَوَّؤُا الدّارَ وَ الْإِیمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لا یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حاجَةً مِمّا أُوتُوا وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ؛ «و برای [نیازمندان از] کسانی است که در این سرا سرزمین مدینه و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت‌کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند» . حشر: ۹

۲- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۱.

ص:۳۸

وارد شد و دید که حضرت فاطمه (علیها السلام) در حال آسیا کردن آرد است و جامه‌ای از پوست شتر برتن دارد. چون آن حضرت را در این حال دید، فرمود: «ای فاطمه! تلخی دنیا برای شیرینی آخرت است» . یا فرمود: «تلخی دنیا را بچش برای نعمت‌های آخرت در فردای قیامت» . سپس آیه اعطاء (۱)نازل شد.(۲)

ب) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه رسول‌خدا (ص)

فرزندان ممکن است به تناسب برخی امتیازات، از جمله بزرگ‌تر بودن در نظر پدر و مادر، جایگاه ویژه‌ای داشته باشند، اما حضرت فاطمه (علیها السلام) با آنکه کوچک‌ترین دختر رسول‌خدا (ص) بود، نزد آن حضرت جایگاه بسیار ممتازی داشت به طوری که گفته‌اند آن حضرت از میان فرزندانش به حضرت فاطمه (علیها السلام) ، محبتی ویژه داشت. به گفته عایشه، رسول‌خدا (ص) ، حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام علی (ع) را بیش از همه مردم دوست می‌داشت.(۳)یا تصریح شده است که حضرت

۱- خداوند می‌فرماید: وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی ؛ «و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی» . ضحی: ۵

۲- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴۵؛ ر. ک: الدرالمنثور، ج ۶، ص۳۶۱؛ فتح‌القدیر، شوکانی، ج ۵، ص ۴۶۰.

۳- معرفهٔ الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۸.

ص:۳۹

فاطمه (علیها السلام) محبوب‌ترین افراد نزد رسول‌خدا (ص) بود.(۱)

رسول‌خدا (ص) در طول زندگی خود با سخنان و عبارت‌های گوناگونی، حضرت فاطمه (علیها السلام) را تمجید و تکریم کرد؛ از جمله فرمود: «فاطمه (علیها السلام) ، سرور زنان اهل بهشت است» .(۲)همچنین فرمود: «فاطمه (علیها السلام) ، بهترین زنان عالم و سرور زنان امت و زنان اهل بهشت است» .

روشن‌ترین و صریح‌ترین فرمایش پیامبر (ص) درباره حضرت فاطمه (علیها السلام) این جملات است که فرمود:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِی.(۳)

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است

یا فرمود:

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی یُؤْذِینِی مَا آذَاهَا. (۴)

فاطمه پاره تن من است، می‌آزارد مرا هرچه او را بیازارد.

همچنین فرمود:

۱- المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲- معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۰.

۳- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰؛ المصنف، ج ۷، ص ۵۲۶؛ الآحاد والمثانی، ابن ابی‌عاصم، ج۵، ص ۳۶۱؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۵، ص ۹۷؛ المعجم‌الکبیر، ج۲۲، ص ۴۰۴.

۴- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹.

ص:۴۰

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی یُرِیبُنِی مَا أَرَابَهَا وَ یُؤْذِینِی مَا آذَاهَا.

فاطمه پاره تن من است، آشفته می‌کند مرا هرچه او را آشفته کند و می‌آزارد مرا هرچه او را بیازارد.

یا فرمود:

« وَ یُنْصِبُنِی مَا أَنْصَبَهَا»(۱) ؛ «و آنچه او را به زحمت اندازد مرا به مشقت انداخته است» .

رسول‌خدا (ص) به خود حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود:

إِنَّ اللهَ یَغْضَبُ لِغَضَبِکِ وَ یَرْضَی لِرِضَاکِ.(۲)

خداوند از خشم تو به خشم می‌آید و از خشنودی تو خشنود می‌شود.

نیز فرمود:

فاطمه شاخه‌ای از من است؛ آنچه شاخه را بیازارد مرا آزرده است و آنچه شاخه را خوشحال کند، مرا شادمان کرده است. خداوند از خشم فاطمه (علیها السلام) به خشم می‌آید و از خشنودی او خشنود می‌شود. (۳)

تعابیری همچون

« سیدهٔ نساء العالمین» (۴)

« خیر نساء

۱- مسند، احمد بن حنبل، ج ۴، صص ۵ و ۳۲۸؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص۳۱۹؛ حلیهٔ الاولیاء، ابونعیم، ج ۲، ص ۴۰.

۲- مسند، ابویعلی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۳؛ معرفهٔالصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۰؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۳- المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴.

۴- مسند، طیالسی، ص ۱۹۷؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۴، ص ۲۵۲؛ الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، دولابی، ص ۱۴۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۶.

ص:۴۱

العالمین»(۱) ،

« افضل نساء العالمین»(۲) و

« افضل نساء اهل الجنه»(۳) ، از تعابیر رایجی است که رسول‌خدا (ص) درباره حضرت فاطمه (علیها السلام) به کار برده است.

براساس برخی روایات، در روز قیامت به مردم دستور داده می‌شود که چشمان خود را ببندند تا آن حضرت در عرصه قیامت عبور کند و او درحالی‌که دو چادر سبز در بر دارد از قیامت عبور می‌کند.(۴)

بر پایه روایتی دیگر، رسول‌خدا (ص) فرمود: «فاطمه (علیها السلام) خود را پاک نگه داشت. پس خداوند او و ذریه‌اش را بر آتش حرام کرد» .(۵)

در گزارشی که در برخی منابع اهل سنت نیز آمده است، رسول‌خدا (ص) فرمود:

هنگامی که به معراج رفتم، دیدم بر در بهشت نوشته شده بود:

« لا اِلهَ اِلا اللهُ، مُحَمّدٌ رَسولُ اللهِ، عليٌّ حَبيبُ اللهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللهِ، فاطِمةُ خِيَرَةُ اللهِ، عَلی

۱- الآحاد و المثانی، ابن ابی‌عاصم، ج ۵، ص ۳۶۴؛ صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱۵، ص ۴۰۲.

۲- المستدرک، ج ۲، ص ۵۹۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۴- المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۱؛ معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۱؛ ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۱.

۵- معجم الکبیر، طبرانی، ج ۳، ص ۴۲ و ج ۲۲، ص ۴۰۷؛ فضائل سیدة النساء، ابن‌شاهین، ص۲۲؛ معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۰.

ص:۴۲

باغِضِهِم لَعْنَةُ اللهِ»(۱) ؛ «خدایی جز خدای یگانه نیست. محمد رسول‌خداست. علی دوست خداست. حسن و حسین برگزیده خدایند. و فاطمه انتخاب شده خداست. لعنت خدا بر کینه‌ورزان آنان باد» .

همچنین به آن حضرت فرمود: «ای فاطمه! خداوند تو و فرزندانت را عذاب نخواهد کرد» .(۲)چنان‌که براساس خبری دیگر از رسول‌خدا (ص) ، نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، حضرت فاطمه (علیها السلام) است.(۳)

همچنین رسول‌خدا (ص) درباره آن حضرت فرمود:

اِبْنَتی فاطِمَةُ حَوْراءٌ آدَمِیَّةٌ لَمْ تَحُضْ و لَمْ تَطْمُثْ و انَّما سَمّاها فاطِمَةَ لاَنَّ اللّهَ فَطَمَها و مُحِبّیها عَنِ النّارِ.(۴)

دخترم فاطمه حوریه‌ای است که به شکل انسان درآمده است. حائض نمی‌شود و عادت زنانگی ندارد و فاطمه نامیده شده است؛ چون خداوند او و دوستدارانش را از آتش دوزخ دور می‌دارد.

و نیز فرمود:

اِنَّ فاطِمَةَ حَوْراءٌ اِنْسِیَّةٌ کُلَّما اشتَقْتُ اِلَی الْجَنَّةِ قَبَّلْتُها.(۵)

۱- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۲.

۳- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۱۸.

۴- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۳۱؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۱۹۶.

۵- تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۸۷.

ص:۴۳

فاطمه حوریه‌ای به شکل انسان است. هرگاه اشتیاق به بهشت پیدا می کنم، فاطمه را می‌بوسم.

از عایشه نقل شده است که کسی را از نظر نوع سخن و گفتار، شبیه‌تر از فاطمه (علیها السلام) به رسول‌خدا (ص) ندیدم.(۱)هرگاه فاطمه (علیها السلام) نزد آن حضرت می‌آمد، ایشان مقابلش برمی‌خاست و او را می‌بوسید و به او خوش‌آمد می گفت؛ چنان‌که او نیز با پدرش چنین می کرد.(۲)

درباره شدت علاقه پیامبر (ص) به فاطمه (علیها السلام) گفته‌اند:

آن حضرت چون از نبرد یا سفری باز می گشت، ابتدا به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند و سپس نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌آمد و پس از آن نزد همسرانش می‌رفت.(۳)

البته این علاقه، دوطرفه بود و حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز به رسول‌خدا (ص) علاقه بسیاری داشت. ازاین‌رو هنگام رحلت رسول‌خدا (ص) بسیار اندوهگین بود و می گریست و تنها یک خبر، ایشان را آرام کرد و خندید؛ رسول‌خدا (ص) به ایشان فرمود: «نخستین کسی که به من ملحق می‌شود تو هستی» . (۴)با این حال،

۱- صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲- سنن، ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۱؛ فضائل الصحابه، ص ۷۸؛ المستدرک، ج ۴، ص ۲۷۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۹.

۴- معرفهٔ الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۹؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۹.

ص:۴۴

رحلت آن حضرت چنان برای حضرت فاطمه (علیها السلام) گران بود که نقل کرده‌اند هرگز دیده نشد حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از رحلت رسول‌خدا (ص) بخندد.(۱)

ج) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه امیرمؤمنان علی (ع)

یکی از کسانی که می‌تواند به خوبی درباره کسی دیگر اظهارنظر کند، همسر انسان است. همسری که پس از سال‌ها زندگی مشترک، اعتقادات، گفتار و کردار همسرش را دیده است و از آنها آگاهی دارد، اگر دچار حب و بغض نشود یا تحت تأثیر احساساتی غیر واقعی قرار نگیرد، بهترین کسی است که می‌تواند درباره همسرش قضاوتی درست و واقعی داشته باشد. امیرمؤمنان علی (ع) افزون بر تمام برتری‌های اخلاقی، مقام عصمت نیز دارد. ازاین‌رو هیچ‌گاه براساس هوای نفس یا احساس و عواطف افراطی رفتار نمی‌کند و سخن نمی‌گوید.

امیرمؤمنان (ع) ، به‌گونه‌ای اعجاب‌انگیز از ویژگی‌های همسرش سخن گفته است که نشان‌دهنده آن است که حضرت فاطمه (علیها السلام) در نگاه امیرمؤمنان (ع) ، جایگاهی بسیار والا داشته که با تعابیر مختلفی وی را ستوده است؛ مثلاً آن حضرت می‌فرماید: «همواره به او

۱- معرفهٔ الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۷.

ص:۴۵

(حضرت فاطمه (علیها السلام)) نگاه می‌کردم و با نگاه به او غم و اندوه از وجودم دور می‌شد» .(۱)

مشهور است که هیچ‌گاه آن حضرت امیرمؤمنان علی (ع) را به خشم نیاورد. آنچه برخی منابع بدان اشاره کرده‌اند که در ماجرایی امام از دست ایشان خشمگین شد و سر را روی خاک گذاشت و رسول‌خدا (ص) ایشان را دید و با کنیه «ابوتراب» ایشان را خطاب قرار داد(۲)، کاملاً ـ ساختگی است؛ زیرا درباره خوانده‌شدن ایشان به ابوتراب گزارش‌های بسیاری وجود دارد که هیچ‌یک با این خبر هماهنگی ندارند.

درست به همین سبب بود که امیرمؤمنان (ع) پس از شهادت ایشان، به شدت گریست و هنگام به خاک‌سپردن همسرش، نجوایی بسیار غم‌انگیز با رسول‌خدا (ص) داشت.(۳)همچنین درباره شهادت ایشان شعری سرود که در آن دشواری جدایی از آن حضرت به خوبی بازگو شده است. (۴)

۱- المناقب، خوارزمی، ص ۳۵۳.

۲- ر. ک: انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳- نهج‌البلاغه، کلام ۲۰۲؛ شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۰، ص ۲۶۵.

۴- مضمون این شعر این است که دو دوست به ناچار از یکدیگر جدا می‌شوند و جدایی دو دوست نشان‌دهنده آن است که این دوستی‌ها دوام نمی‌یابد. ر. ک: الثقات، ابن‌حبان، ج ۹، ص ۲۳۴؛ الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۹.

ص:۴۶

ص:۴۷

ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام)

الف) مقدمات ازدواج

ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام) ، همانند سایر دوره‌های زندگی آن حضرت، دارای اسرار فراوان است. بسیاری از بزرگان و ثروتمندان قریش و غیر قریش از آن بانوی بزرگوار خواستگاری کردند، اما پاسخ منفی شنیدند. رسول‌خدا (ص) در پاسخ منفی به خواستگاران، چنان روی برمی‌گرداند که آنان گمان می‌کردند که آن حضرت از آنان خشمگین است یا قرار است در این‌باره وحی بر ایشان نازل شود تا آنجا که ابوبکر و عمر نیز از ایشان خواستگاری کردند؛ اما با مخالفت رسول‌خدا (ص) روبه‌رو شدند و آن حضرت فرمود: «منتظر قضای الهی هستم» .(۱)

۱- ر. ك: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ المناقب، خوارزمی، ص۳۴۳.

ص:۴۸

بنابر نقلی وقتی خواستگاران در این‌باره به رسول‌خدا (ص) اعتراض کردند، آن حضرت فرمود: «به خدا قسم! من مانع شما نیستم، بلکه خداوند مانع است» .(۱)

در گزارشی دیگر آمده است که گروهی از مهاجران، از حضرت فاطمه (علیها السلام) خواستگاری کردند، اما رسول‌خدا (ص) پاسخ مثبت نداد. ازاین‌رو آنان پس از ازدواج آن حضرت با امیرمؤمنان (ع) دراین‌باره سخنانی گفتند و رسول‌خدا (ص) در پاسخ آنان فرمود: «من ایشان را به ازدواج علی (ع) درنیاوردم، بلکه خداوند وی را به ازدواج ایشان درآورد» .(۲)یا فرمود: «خداوند به من امر کرده است که فاطمه را به ازدواج علی درآورم» . (۳)

آری! گویی آن ذخیره الهی برای ذخیره‌ای الهی است. آری! فاطمه (علیها السلام) برای علی (ع) ذخیره شده است و تنها علی (ع) است که می‌تواند همتای فاطمه (علیها السلام) باشد؛ همچنان‌که تنها فاطمه (علیها السلام) است که می‌تواند همتا و همراز علی (ع) باشد.

۱- عیون اخبار الرضا ع ، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۰۳؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۳.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱.

۳- المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۳۷، ص ۱۳.

ص:۴۹

به‌هرحال پس از آنکه ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالرحمان بن عوف و دیگران با پاسخ منفی رسول‌خدا (ص) مواجه شدند، امیرمؤمنان (ع) ، تنها مرد شایسته همسری حضرت فاطمه (علیها السلام) ، پیشنهاد ازدواج با آن حضرت را مطرح کرد که رسول‌خدا (ص) با تعبیر

« هی لک یا علی»(۱)؛ «او برای توست» بی‌درنگ پاسخ مثبت داد و گویی آن حضرت انتظار چنین درخواستی را از سوی امیرمؤمنان (ع) داشت. اما چون براساس مقررات خواستگاری و ازدواج باید نظر خود حضرت فاطمه (علیها السلام) را نیز جویا شد، ازاین‌رو رسول‌خدا (ص) پیشنهاد امیرمؤمنان را به اطلاع حضرت فاطمه (علیها السلام) رساند و نظر ایشان را در این‌باره جویا شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) سکوت کرد و سکوت آن حضرت نشانه رضایت ایشان بود.(۲)

براساس برخی روایات تاریخی، پس از آنکه رسول‌خدا (ص) موافقت خود را با این ازدواج، اعلام کرد، تعدادی از صحابه را دعوت کرد و خود ایشان خطبه عقد را خواند. این خطبه با حمد و سپاس خداوند آغاز شده است و پس از بیان شماری از

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۳۴.

۲- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

ص:۵۰

الطاف خداوند، به نعمت ازدواج و فواید آن اشاره دارد. رسول‌خدا (ص) پس از خواندن خطبه، دعوت‌شدگان را برای این عقد شاهد گرفت. (۱)

رسول‌خدا (ص) پس از ازدواج ایشان به او فرمود: «من تو را به ازدواج کسی درآوردم که در دنیا و آخرت سرور است» .(۲)

از گزارش‌های تاریخی برمی‌آید که عقد و عروسی حضرت فاطمه (علیها السلام) ، با فاصله بوده است. پاره‌ای از منابع، این فاصله را ۲۹ روز (۳)و برخی دیگر یک ماه (۴)دانسته‌اند.

درباره زمان این ازدواج (چه به معنای عقد و چه به معنای عروسی) در منابع تاریخی نظر یکسانی وجود ندارد. بیشتر منابع برآنند که این ازدواج پس از بازگشت مسلمانان از غزوه بدر [در سال دوم هجرت] و پیش از غزوه احد صورت گرفته است. اما برخی منابع، زمان آن را پس از غزوه احد [در سال سوم هجرت] آورده‌اند. بنابر نقلی این ازدواج، یک سال

۱- المناقب، ص ۳۳۶؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۵۲، ص ۴۴۴؛ الفصول المهمه، ابن‌صباغ، ج ۱، ص۶۵۴.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۹.

۳- مناقب علی بن ابی‌طالب ع ، ابن‌مردویه، ص ۱۹۸.

۴- الامالی، طوسی، ص ۴۱؛ المناقب، ص ۳۵۰.

ص:۵۱

پس از هجرت بـوده است.(۱)برخی نیز این ازدواج را در مـاه صـفر و یـازدهمین ماه هجرت دانسـته‌اند.(۲)همچنین گفته‌انـد پس از بازگشت رسول‌خدا (ص) از بدر، دخترش رقیه از دنیا رفت و شانزده روز پس از آن فاطمه (علیها السـلام) به ازدواج امیرمؤمنان (ع) درآمد.(۳)

اختلاف مهم‌تر در اینجا درباره سن آن حضـرت به هنگام ازدواج است که این اختلاف از اختلاف در زمان تولد ایشان نشئت گرفته است. بر این اسـاس، بیشتر منـابع اهـل سـنت سن ایشان را به هنگام ازدواج، حـدود ۱۸ تا ۲۱ سال آورده‌انـد. درحالی‌که بیشتر منابع شیعه، سن آن حضرت را حدود نُه سال دانسته‌اند.

ب) مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام)

از مطالب عبرت‌آموز زندگی حضـرت زهرا (علیها السـلام) نوع و مقدار مهریه آن حضـرت است. بنابر نقل‌های تاریخی، امیرمؤمنان (ع) سپر یـا زرهی داشت که آن را به دوازده اوقیه نقره (معـادل ۴۰۰ درهم) فروخت و همان را مهریه حضـرت فاطمه (علیها السلام) قرار داد.(۴)بر اساس

۱- المعارف، ابن‌قتیبه، ص ۱۴۲.

۲- امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۷۳.

۳- المعارف، ص ۱۵۸.

۴- مسند، ابویعلی موصلی، ج ۱، ص ۳۶۲؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۱۶۰.

ص:۵۲

نقلی، چون امیرمؤمنان (ع) پولی نداشت، زره خود را مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داد. (۱)بنابر نقلی دیگر، ایشان زره و برخی کالاهای دیگر، مانند شترش را به ۴۰۰ درهم فروخت و مهریه قرار داد.(۲)

نکته درخور توجه اینکه ممکن است تصور شود این مهریه در زمان رسول‌خدا (ص) کاملاً ـ عادی و مطابق عرف آن زمان بوده است، درحالی‌که از برخی گزارش‌های تاریخی چنین برمی‌آید که این مهریه حتی در آن زمان نیز اندک بوده است.(۳)

نکته دیگر آنکه چون در زمان‌های سابق، مهریه در همان ابتدای ازدواج به همسر پرداخت می‌شد، مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز پیش از عروسی از سوی امیرمؤمنان (ع) پرداخت شد که با همان پول لوازم جهیزیه را خریداری کردند.

ج) جهیزیه حضرت فاطمه (علیها السلام)

باید در تهیه جهیزیه به سه نکته توجه داشت: اول، نیازهای یک زندگی نوپا؛ دوم، توانایی اقتصادی

۱- تهذیب الکمال، مزّی، ج ۳۵، ص ۲۴۹.

۲- سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۳۸.

۳- تنقیح التحقیق، ذهبی، ج ۲، ص ۱۸۴.

ص:۵۳

خانواده و سوم که بسیار مهم است پیروی از روش زندگی اهل‌بیت (علیهم السلام) .

اهل‌بیت (علیهم السلام) در این امور، همیشه سطح عادی زندگی اجتماعی مردم را در نظر می‌گرفتند و تلاش می‌کردند تا سطح زندگی خود را در مرتبه‌ای پایین قرار دهند. آنان حتی اگر می‌توانستند زندگی مرفه و خوبی داشته باشند، هیچ‌گاه اسیر اسراف، چشم و هم‌چشمی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری نمی‌شدند و این همان گمشده جامعه امروز ماست که در صورت توجه به آن، بسیاری از مشکلات، حل خواهد شد.

نمونه بارز زندگانی اهل‌بیت (علیهم السلام) ، زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) و جهیزیه آن حضرت است. صورت این جهیزیه در منابع موجود، متفاوت نقل شده، اما بنابر قول مشهور و براساس برخی از منابع چنین بوده است:

- یک پیراهن؛

- یک خمار (مقنعه) ؛

- پارچه‌ای سیاه از منطقه خیبر؛

- تختی بافته‌شده از پوست خرما؛

- دو عدد تشک که یکی از پشم و دیگری از لیف خرما پر شده بود؛

ص:۵۴

- چهار بالش که از اذخر (نوعی گیاه) پر شده بود؛

- پرده‌ای دوخته‌شده از پشم؛

- حصیری هجری (هجر نام روستایی نزدیک مدینه است که ساکنان آن به بافت حصیر اشتغال داشتند) ؛

- دستاس (آسیای دستی) ؛

- مشکی از چرم؛

- یک ظرف مسی؛

- ظرفی برای شیر؛

- ظرفی برای آب خوردن؛

- طشت لباسشویی؛

- پرده‌ای سبز رنگ؛

- دو کوزه سفالی؛

- پوستی از چرم؛

- الک برای غربال؛

- ظرفی برای طهارت (آفتابه) ؛

- دلوی از چرم.(۱)

پس از تصمیم حضرت فاطمه (علیها السلام) برای ازدواج،

۱- برای اطلاع از این جهیزیه و اختلاف در مقدار آن، ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۱۹ و ۲۰؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الامالی، طوسی، ص ۴۱؛ اعیان الشیعه، امین، ج ۱، ص ۳۷۹.

ص:۵۵

رسول‌خدا (ص) به امیرمؤمنان (ع) فرمود: «منزلی برای خود تهیه کن» . ایشان منزلی یافت که کمی عقب‌تر از منزل رسول‌خدا (ص) قرار داشت و در همان‌جا با حضرت فاطمه (علیها السلام) عروسی کرد. پس از آن، رسول‌خدا (ص) نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و فرمود: «می‌خواهم منزل تو را نزدیک خودم بیاورم» . حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: «با «حارثهٔ بن نعمان» صحبت کنید تا منزلش را به ما بدهد» . فرمود: «حارثه چند بار برای ما جابه‌جا شده است و از او شرم می‌کنم» .

چون این خبر به حارثه رسید، خانه‌اش را تخلیه کرد و خدمت رسول‌خدا (ص) آمد و عرض کرد:

ای رسول‌خدا! به من خبر رسیده که می‌خواهی حضرت فاطمه (علیها السلام) را نزد خود بیاوری. خانه‌های من از نزدیک‌ترین خانه‌های «بنونجار» به شمایند و من و دارایی‌ام از آن خدا و رسول اوست. به خدا سوگند! ای رسول‌خدا! مالی که تو از من بگیری، برایم دوست داشتنی‌تر است از آنچه نمی‌گیری.

آن حضرت فرمود: «راست می‌گویی. خداوند به تو برکت دهد» . سپس رسول‌خدا (ص) حضرت فاطمه (علیها السلام) را به منزل حارثه منتقل کرد.(۱)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۹.

ص:۵۶

د) فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام)

در منابع شیعه درباره نام و تعداد فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) اختلاف چندانی وجود ندارد. ولی در منابع اهل سنت، این اختلاف بیشتر دیده می‌شود.

به‌نظر تعدادی از منابع اهل سنت، حضرت فاطمه (علیها السلام) ، امام حسن (ع) ، امام حسین (ع) ، حضرت زینب (علیها السلام) ، ام‌کلثوم و محسَّن را به دنیا آورد.(۱)درحالی‌که برخی از منابع اهل سنت گزارش کرده‌اند که آن حضرت، به وزن موی امام‌حسن (ع) ، امام حسین (ع) ، زینب (علیها السلام) و ام‌کلثوم (علیها السلام) به فضه صدقه داد.(۲)اما از حضور پسر دیگر ایشان سخن نگفته‌اند.

همچنین در برخی منابع دیگر آمده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) برای امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هر کدام، یک گوسفند عقیقه کرد و این به جز عقیقه رسول‌خدا (ص) برای آن دو بود.(۳)درحالی‌که از عقیقه برای محسَّن سخنی در میان نیست. چنان‌که نام محسَّن در بیشتر منابع، یا در شمار فرزندان آن

۱- المعارف، ص ۱۴۳؛ الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، ص ۱۵۷؛ کتاب الثقات، ج ۲، ص ۳۰۴؛ السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۸۳.

۲- الموطاء، مالک، ج ۲، ص ۵۰۱.

۳- المحلی، ابن‌حزم، ج ۷، ص ۵۳۱.

ص:۵۷

حضرت نیست یا او را همان پسری دانسته‌اند که به دنیا نیامد و سقط شد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که محسَّن به دنیا نیامده است. البته ممکن است آنها بدین‌وسیله و با این استدلال که اگر به دنیا آمده بود برای ایشان نیز صدقه می‌دادند، بخواهند اصل وجود محسَّن را منکر شوند، اما اولاً تنها صدقه‌دادن، دلالت بر تولد نمی‌کند؛ ثانیاً بحث درباره تولد یافتن نیست، بلکه بحث درباره اصل وجود پسری است که سقط شده و نامش محسَّن بوده است. ازاین‌رو، این مطلب نیز درست نیست که برخی منابع اهل سنت گفته‌اند محسَّن در کودکی از دنیا رفت.(۱)

به نظر می‌رسد این اختلاف، بیشتر درباره وجود داشتن سومین پسر برای آن حضرت است که بیشتر علمای شیعی بر این باورند که آن حضرت پسری به نام محسَّن داشته است که به هنگام هجوم به خانه ایشان برای گرفتن بیعت برای ابوبکر یا پس از این زمان در اثر مشکلاتی که برای ایشان به وجود آوردند، سقط شده و زنده به دنیا نیامده است. البته علمای اهل‌سنت، دیدگاه‌های دیگری دارند که بیان شد.

۱- الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، ص ۱۵۷.

ص:۵۸

ص:۵۹

حضرت فاطمه (علیها السلام) در عرصه سیاست و اجتماع

حضرت فاطمه (علیها السلام) بهترین الگویی است که افزون بر ابعاد فردی و عبادی، در عرصه سیاست و اجتماع نیز درس‌های بسیاری به بشر داده است. در نگاه اول و با شناخت محدودی که از آن حضرت داریم، ممکن است تصور شود آن حضرت تمام عمر را در خانه بوده و تنها به عبادت و رسیدگی به امور خانه پرداخته است؛ به‌ویژه وقتی می‌شنویم آن حضرت بهترین حالت را برای زنان، حالتی معرفی کرده است که «هیچ مردی را نبینند و نیز هیچ مردی آنان را نبینند»(۱)و بر پایه همین روایت، برخی پنداشته‌اند که نباید زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

۱- سؤالات حمزة بن یوسف، دارقطنی، ص ۲۸۰؛ الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۵۵.

ص:۶۰

حضور یابند.

اما با مراجعه به سیره حضرت فاطمه (علیها السلام) درمی‌یابیم که آن بانوی نمونه هنگام نیاز، با رعایت همان اصلی که خود بیان فرمود، نه تنها در امور سیاسی دخالت کرده، بلکه در موضوعی چون خلافت، که بدان اشاره خواهد شد، چنان میدان‌دار سیاست بوده که بسیاری از سیاست‌مداران را مبهوت کرده است.

آری! حضرت فاطمه (علیها السلام) در خردسالی یا نوجوانی در کنار پدر بزرگوارش حضور داشت و ضمن همدردی و یاری ایشان به هنگام اهانت‌های مشرکان، با حضور در شعب ابوطالب، نخستین عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را تجربه کرد.

هجرت به یثرب، با تمام خطراتی که برای ایشان داشت، صحنه سیاسی دیگری بود که آن حضرت پشت سر گذاشت.

در سال سوم هجرت، غزوه احد، نخستین معرکه جنگی بود که حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن نقش فعالی داشت. در این نبرد، ابتدا مسلمانان پیروز شدند. اما تعدادی از مسلمانان که از سوی رسول‌خدا (ص) مأمور حفاظت از تنگه‌ای بودند که راه نفوذ به سمت سپاه اسلام به شمار می‌آمد، به طمع جمع‌آوری غنیمت،

ص:۶۱

محل مأموریت خود را ترک کردند و مشرکان از این غفلت مسلمانان بهره بردند و با غافلگیرکردن آنان، جنگ را به نفع خود تمام کردند.

در این میان، رسول‌خدا (ص) که در معرکه جنگ حضور داشت، جراحت‌های بسیاری برداشت و دندان مبارکشان شکست. ازاین‌رو امیرمؤمنان (ع) ، آن حضرت را در شکاف کوه احد برد و به شست‌وشوی جراحت‌ها و مداوای آن حضرت پرداخت. حضرت زهرا (علیها السلام) نیز در آنجا حاضر بود و به امیرمؤمنان (ع) کمک کرد. گفته‌اند هنگامی که حضرت فاطمه (علیها السلام) مشغول شست‌وشوی جراحت‌های رسول‌خدا (ص) بود، متوجه شد که شستن با آب، خونریزی حضرت را بیشتر می‌کند؛ ازاین‌رو تکه حصیری را سوزاند و آن را روی جراحت گذاشت تا خون بند آمد.(۱)

حضرت فاطمه (علیها السلام) تسبیحی از پشمِ ریسیده و تابیده داشت و با آن تسبیح می‌گفت تا آنکه پس از شهادت حضرت حمزه (ع) ، از خاک او تسبیح ساخت و مردم نیز چنین کردند. این حرکت می‌تواند جنبه سیاسی‌اجتماعی داشته باشد؛ زیرا این کار تا زمان

۱- المغازی، واقدی، ج ۱، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۷؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۳۸.

ص:۶۲

شهادت امام حسین (ع) ادامه داشت تا آنکه به سبب فضیلت و ارزش خاک مرقد آن حضرت، از تربت ایشان تسبیح ساخته شد.(۱) پس از شـهادت حضـرت حمزه (ع) نیز حضـرت فاطمه (علیها السلام) دو یا سه روز یک‌بار به زیارت قبور شهدای احد می‌رفت و بر آنـان می‌گریست و برایشان دعا می‌کرد. (۲)بنـابر نقلی دیگر آن حضـرت، هر جمعه به زیارت حضـرت حمزه (ع) می‌رفت. (۳)این حرکت نیز افزون بر جنبه عاطفی و عبادی آن، حرکتی سیاسی - اجتماعی تلقی می‌شود.

۱- المزار، مفید، ص ۱۵۰؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۸۱.

۲- المغازی، ص ۳۱۳.

۳- المصنف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲؛ التمهید، ابن‌عبدالبر، ج ۳، ص ۲۳۴.

ص:۶۳

جلوه‌هایی از شخصیت حضرت فاطمه (علیها السلام)

اشاره

حضرت فاطمه (علیها السلام) به سبب داشتن برتری‌های اخلاقی بسیاری، دارای جایگاه بلندی است که رسیدن به آن برای دیگران میسر نیست. اما با الگو گرفتن از زندگی آن حضرت، می‌توان به بسیاری از درجات کمال انسانی دست یافت و راه سعادت را به خوبی پیمود. بررسی تمام فضایل ایشان، مجالی دیگر می‌طلبد، اما برای نمونه برخی از مهم‌ترین فضایل ایشان به اختصار بیان می‌شود.

الف) قناعت

از ویژگی‌های برجسته اخلاقی دختر رسول‌خدا (ص) قناعت است. این کیمیای با ارزش که گمشده عصر حاضر است، چنان در زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) موج

ص:۶۴

می‌زد که بـاورکردن آن دشوار می‌نمایـد و جز در خانـدان نبوت نمی‌توان از آن سـراغ گرفت. برای نمونه در روایتی از امیرمؤمنـان (ع) نقل شده است که فرمود:

هنگامی که با فاطمه (علیها السـلام) ازدواج کردم، فرش ما چیزی نبود جز یک پوست گوسـفند که روزها بر روی آن به شتر آبکش خود علف می‌دادیم و شب‌ها روی آن می‌خوابیدیم. درحالی که جز آن شتر خدمتکاری نداشتیم.(۱)

ممکن است تصور شود این وضـعیت مربوط به ابتدای زندگی مشترک آن دو بزرگوار است. اما براساس خبری دیگر، این وضـعیت تا اواخر زندگی ایشان و دست‌کم تا سال هفتم و هشتم هجرت به همین گونه بود.

در این خبر آمـده است که روزی رسول‌خـدا (ص) همراه بـا یکی از اصـحاب به نـام «عمران بن حصـین خزاعی» به دیـدار حضـرت فاطمه (علیها السـلام) رفتند و وضـعیت آن حضـرت به‌گونه‌ای بود که چادر یا جامه‌ای کافی برای پوشاندن سـرشان مقابل عمران بن حصین خزاعی نداشت تا آنکه رسول‌خدا (ص) جامه‌ای به او می‌دهد تا با آن سر خود را بپوشاند و پس از آنکه رسول‌خدا (ص)

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸.

ص:۶۵

از حال ایشان جویا می‌شوند، می‌فرماید که طعامی برای خوردن در خانه نیست.(۱)

با توجه به اینکه مسلمان شدن عمران‌بن‌حصین در سال غزوه خیبر (۲)، یعنی سال هفتم بود (۳)، باید این ماجرا پس از خیبر رخ داده باشد و این بدان معناست که حتی در سال‌هایی که برای مسلمانان به سبب بهره‌مندی از غنایم جنگی، گشایش اقتصادی به وجود آمد، دختر رسول‌خدا (ص) هنوز وضع اقتصادی خوبی نداشت.

آن حضرت نه تنها در خوراک و پوشاک قناعت می‌کرد، بلکه در امور دیگر زندگی نیز به حداقل اکتفا می‌کرد؛ به‌طوری که گفته‌اند ایشان با دست خود دستاس می‌کرد و آرد فراهم می‌آورد و نان می‌پخت. بنابر نقلی آن حضرت چندان دستاس کرده بود که دستاس روی دستش اثر گذاشته و دستش ورم کرده بود.(۴)

از امیرمؤمنان نقل شده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) چندان با دستانش دستاس را چرخانده بود که بر

۱- حلیهٔ الاولیاء، ج ۲، ص ۴۲؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص ۱۲۳؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۴۲، ص ۱۳۴.

۲- الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۸۴؛ الاصابه، ابن‌حجر، ج ۴، ص ۵۸۴.

۳- المغازی، ج ۲، ص ۶۳۴؛ السیرهٔ النبویه، ج ۳، ص ۳۴۲.

۴- حلیهٔ الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱.

ص:۶۶

دستانش اثر گذاشته بود و آن‌قدر با مشک آب آورده بود که جای آن بر سینه‌اش باقی مانده بود و چنان به نظافت خانه رسیدگی کرده بود که غبار بر لباس‌هایش نشسته بود و چندان آتش زیر دیگ گذاشته بود که آثار آن بر لباس‌هایش مانده و ایشان را آزار داده بود. ازاین‌رو چون اسیران و خادمانی برای رسول‌خدا (ص) آورده بودند، به او گفتم: «نزد رسول‌خدا (ص) برو و از ایشان یک خادم بخواه تا تو را از این رنج‌ها نگه دارد» .

ایشان رفت، اما درخواست خود را مطرح نکرد و بازگشت. سپس رسول‌خدا (ص) به دیدار ما آمد و از حال حضرت فاطمه (ص) پرسش کرد و من گفتم که او چه قصدی داشته است.

سپس رسول‌خدا (ص) فرمود:

می‌خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که از خادم بهتر باشد؟ چون به رختخواب رفتی ۳۳ بار سبحان‌الله، ۳۳ بار الحمدلله و ۳۴ بار الله‌اکبر بگو.

سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) دو مرتبه فرمود: «از خدا و رسولش راضی شدم» .(۱)

۱- مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۳؛ کتاب الدعا، طبرانی، ص ۹۵؛ معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۳.

ص:۶۷

ب) حیا و حجاب

از بـارزترین ویژگی‌هـای اخلاـقی حضـرت فـاطمه (علیهـا السـلام) حیا و حجاب بی‌ماننـد ایشان است. در برخی منابع، نمونه‌هایی از حیـای ایشـان نقـل شـده است که جز در وجود ایشان یافت نمی‌شود. حفظ پوشـش مقابل نامحرمی نابینا، در زمانی که پوشـش برابر نامحرمـان بینـا و گشاده‌چشم، چنـدان رنگی نـداشت و واقعیتی مسخ‌شـده بود، اعجازی است که ویژگی وجود مقدسـی چون فاطمه زهراست؛ چنـان‌که گفته‌انـد روزی مردی نابینا اجازه خواست و وارد منزل امیرمؤمنان (ع) شـد. در این هنگام حضـرت فاطمه (علیها السـلام) مقابـل این مرد نابینـا حجـاب گرفت. چون پیامبر (ص) این منظره را دیـد، به آن حضـرت فرمود: «برای چه با حجاب شـدی درحالی‌که او تو را نمی‌بینـد؟» پاسخ داد: «او مرا نمی‌بیند، اما من او را می‌بینم و او بو را استشـمام می‌کند» . در این هنگام رسول‌خدا (ص) فرمود: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی» .(۱)

براساس این تفکر، زمانی که رسول‌خدا (ص) کار منزل را به دخترش و کار بیرون از خانه را به

۱- النوادر، راوندی، ص ۵۷۱؛ الدر النظیم، ابن‌حاتم عاملی، ص ۴۵۷.

ص:۶۸

امیرمؤمنان (ع) سپرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) از این تقسیم کار، بسیار خشنود شد و فرمود: «جز خدا نمی‌داند چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول‌خدا (ص) مرا از روبه‌رو شدن با مردان معاف کرد» .(۱)

بر این اساس، آن حضرت اگر هم ناچار می‌شد از خانه خارج شود، کمال محافظت را در حجاب داشت. مثلاًـ هنگامی که آن حضرت برای طلب‌کردن حقشان به مسجد آمد و آن خطبه تاریخی و مشهور را خواند، به‌گونه‌ای از منزل خارج شد که اولاً در میان تعدادی از زنان اقوامشان قرار داشت، ثانیاً گفته‌اند روپوش یا عبایی که در برداشت، چنان بلند بود که زیر پای مبارکشان می‌رفت.

رعایت حجاب چنان برای آن حضرت اهمیت داشت که حتی برای پس از مرگ نیز حجاب را لازم می‌دانست. ازاین‌روست که یکی از نگرانی‌های مهم آن حضرت، تشییع پیکر ایشان به شکل آشکار بود که با مشورت «اسماء بنت عمیس» این مشکل حل شد و آن حضرت از این موضوع بسیار خرسند شدند.(۲)

۱- قرب الاسناد، حمیری، ص ۵۲؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص۱۲۳.

۲- این موضوع در کتاب حاضر در بخش مربوط به شهادت آن حضرت با تفصیل بیشتری آمده است.

ص:۶۹

در باب رعایت حجاب از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «برای زنان شایسته است که مردان آنان را نبینند» .(۱)چنان‌که فرمود: «نزدیک‌ترین حالت نزدیک شدن زن به خدا، آن است که در خانه بماند» .(۲)

ج) عبادت

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز حضرت فاطمه (علیها السلام) کثرت عبادت آن حضرت به شکل عام و به‌ویژه توجه بسیار ایشان به نماز بوده است.

در روایتی از امام حسن (ع) نقل شده است که فرمود:

شب جمعه بود که دیدم مادرم به نماز ایستاد و تا طلوع صبح نماز خواند و برای مؤمنان دعا کرد و از آنان نام برد، اما برای خود دعا نکرد. از ایشان پرسیدم: «چطور برای خودتان دعا نمی‌کنید؟» فرمود: «پسرم! ابتدا همسایه سپس خانه» .(۳)

اهمیت عبادت حضرت فاطمه (علیها السلام) بیش از آنکه به کمیّت توجه ایشان مربوط باشد، به کیفیت توجه

۱- الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲- النوادر، ص ۱۱۹؛ البته این خبر از برخی صحابه دیگر از رسول‌خدا ص نیز فراوان نقل شده است.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲.

ص:۷۰

ایشان در عبادت مربوط است. عبادت ایشان چنان با توجه بود که خداوند متعال بر فرشتگان مباهات کرد و آنان را گواه گرفت.(۱)چنان‌که گفته‌اند هرگاه آن حضرت در محراب عبادت می‌ایستاد، نور ایشان برای اهل آسمان‌ها می‌درخشید، همچنان‌که نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد. بدین‌سبب ایشان را زهرا خوانده‌اند.(۲)

۱- الامالی، شیخ صدوق، ص ۱۷۶.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱؛ دلائل الامامه، ص ۱۴۹.

ص:۷۱

حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از رسول‌خدا (ص)

الف) حضرت فاطمه و موضوع سقیفه

بدون شک باید رحلت رسول‌خدا (ص) را غمناک‌ترین و دشوارترین مرحله از تاریخ اسلام به شمار آورد. اما این دشواری و غم را هیچ‌کس به اندازه حضرت فاطمه (علیها السلام) احساس نکرد؛ به‌ویژه آنکه پس از پیامبر (ص) حوادثی رخ داد که هیچ‌کس حتی فکر آن را نمی‌کرد. حوادث ناگواری که تحمل آن برای هرکس دشوار بود و برای حضرت فاطمه (علیها السلام) دشوارتر.

هنوز پیکر مطهر رسول‌خدا (ص) بر زمین بود و وظیفه تجهیز و تدفین ایشان، به عهده نزدیکان آن حضرت، به‌ویژه امیر مؤمنان (ع) قرار داشت که عده‌ای از دنیاپرستان انصار و مهاجر، با

ص:۷۲

زیر پا گذاشتن سفارش‌های رسول‌خدا (ص) ، در سقیفه بنی‌ساعده گرد آمدند و بر سر کسبت قدرت و جانشینی رسول‌خدا (ص) به نزاع پرداختند و با تأسفی به طول ابدیت باید گفت: شد آنچه نباید می‌شد!

جانشینی رسول‌خدا (ص) که تنها ولی خدا سزاوار آن بود، از مسیر اصلی خارج و به انحراف کشیده شد و نه تنها به امیرمؤمنان که تنها فرد شایسته و مورد سفارش پیامبر (ص) بود، نرسید که به دست نااهلانی افتاد که آثار سوء آن تا قیامت ادامه دارد.

در این میان حضرت فاطمه (علیها السلام) تنها دختر رسول‌خدا (ص) از نزدیک شاهد بود که چگونه دستاورد زحمات رسالت پدرش به تاراج می‌رود و از مدعیان دروغین صحابی بودن و مسلمانی، هیچ صدایی به حمایت برنمی‌خیزد. آری! فاطمه (علیها السلام) می‌دید که چگونه امیرمؤمنان (ع) ناچار است به تنهایی برای حفظ نهال نوپای اسلام، دم فرو بندد و از بازگو کردن واقعیات خودداری کند که مبادا آنچه ممکن است با سکوت او از اسلام باقی بماند نیز از میان برود.

البته فقط خدا می‌داند که در آن زمان، فاطمه (علیها السلام) چه کشید و شاید همین درد و رنج بی‌پایان، در کنار

ص:۷۳

اهانت‌های روحی و جسمی، دلیلی روشن برای کوتاه‌بودن عمر آن حضرت باشد.

بررسی حوادث تلخ پس از رحلت رسول‌خدا (ص) به نوشته‌ای مفصل نیاز دارد. ازاین‌رو در اینجا به برخی از این حوادث، البته به اختصار، اشاره می‌کنیم:

حادثه سقیفه بنی‌ساعده

مهم‌ترین حادثه پس از رحلت رسول‌خدا (ص) ، حادثه تلخ سقیفه بنی‌ساعده بود. این حادثه پیامدهایی داشت که برخی از آنها هیچ‌گاه تا ابد فراموش نخواهد شد. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از:

یک - ایجاد حق تشریع برای دیگران

پس از سقیفه، مسلمانانی که خود را مطیع محض رسول‌خدا (ص) می‌دانستند و حاضر نبودند آب وضوی آن حضرت، بر زمین ریخته شود و به آن تبرّک می‌جستند، به خود اجازه دادند برای دیگران نیز حق تشریع قائل شوند و با استفاده از سخن نادرست خلیفه دوم(۱)، خود را در کنار رسول‌خدا (ص) و در

۱- او خود را هم‌ردیف پیامبر ص می‌دانست و می‌گفت: «انا زمیل محمّد» ؛ «من هم‌کلاس و هم‌ردیف رسول‌خدایم» . این سخن سبب شد مردم به روش او که احکامی را بر خلاف روش رسول‌خدا ص تشریع می‌کرد، اعتراض نکنند. ر. ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، ص۱۲۲.

ص:۷۴

عرض آن حضرت ببینند. این ایجاد حق تشریع، سبب شد برخی احکام از آنچه رسول‌خدا (ص) فرموده بود، فاصله بگیرد و شکاف عمیقی میان مسلمانان ایجاد کند که هیچ‌گاه جبران نخواهد شد.

دو - بیعت اجباری با خلیفه

در زمان رسول‌خدا (ص) بیعت مردم با آن حضرت براساس علاقه، محبت و فرمان‌برداری از آن حضرت صورت می‌گرفت. اما پس از سقیفه، با اکراه و اجبار و در برخی موارد با تهدید و استفاده از سلاح، از مردم برای خلیفه اول بیعت گرفتند. آنان حاضر شدند برای گرفتن بیعت از امیرمؤمنان (ع) و مشروعیت بخشیدن به حکومت خلیفه اول، به تنها دختر رسول‌خدا (ص) اهانت‌ها روا دارند. آنها با این عمل، سنگ بنای نامبارکی نهادند که براساس آن، هرگونه اهانت و حمله به عقاید مخالفان روا پنداشته شد و حتی به قتل‌رساندن پسر دختر پیغمبر [در کربلا] توجیه شرعی یافت؛ به طوری‌که پس از کربلا نیز برخی عالمان اهل سنت در جواز لعن یزید، قاتل امام حسین (ع) ، تردید کردند و به جایز نبودن لعن یزید فتوا دادند.(۱)

۱- احیاء علوم‌الدین، غزالی، ج ۳، ص ۱۰۶؛ همچنین، ر. ک: الصواعق المحرقه، ابن‌حجر، ص ۲۲۱.

ص:۷۵

ب) غصب فدک

از حوادث مهمی که پس از رحلت رسول‌خدا (ص) رخ داد و غم و اندوه و مشکلات بسیاری را برای حضرت فاطمه (علیها السلام) فراهم کرد، غصب مزرعه حاصل‌خیز فدک بود. برای آنکه ابعاد این حرکت ناشایست بهتر دانسته شود، لازم است ماهیت و چگونگی واگذار شدن فدک به رسول‌خدا (ص) و سپس بخشش آن به حضرت فاطمه (علیها السلام) به اختصار بررسی شود.

فدک، روستایی است در حجاز که تا مدینه دو یا سه روز فاصله دارد (۱)و برخی گفته‌اند تا خیبر دو روز فاصله دارد.(۲)بنابر قول مشهور، در سال هفتم هجرت، یهودیان خیبر در صدد برآمدند با رسول‌خدا (ص) و مسلمانان مقابله کنند. ازاین‌رو، آن حضرت همراه با سپاهی برای سرکوب آنان به منطقه خیبر رفتند. یهودیان در قلعه‌های مستحکم خود سنگر گرفته بودند و هیچ راهی برای نفوذ به داخل قلعه‌ها وجود نداشت. اما سرانجام با رشادت و شجاعت امیرمؤمنان (ع) قلعه‌های آنان فتح شد و آنان خود را تسلیم کردند. به

۱- معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲- معجم ما استعجم، بکری، ج ۳، ص ۱۰۱۵.

ص:۷۶

گزارش «یاقوت‌حموی» هنگامی که رسول‌خدا (ص) به خیبر رسید و قلعه‌های آنجا را گشود، یک‌سوم قلعه‌ها باقی مانده بود تا فتح شود که یهودیان با فرستادن نامه از آن حضرت خواستند تا در مقابل پرداخت اموالی، به آنان اجازه دهد در سرزمین خود بمانند و رسول‌خدا (ص) نیز پذیرفت.

پس از فتح خیبر، یهودیان ساکن فدك نیز چون از فتح خیبر باخبر شدند، پیکی را فرستادند تا از رسول‌خدا (ص) بخواهد که با نیمی از اموالشان با آنان مصالحه کند و آن حضرت نیز پذیرفت. بنابراین، فدك بدون جنگ و حرکت نظامی به رسول‌خدا (ص) واگذار شد و چون بدون جنگ به دست آمد و براساس مصالحه اهل فدك با رسول‌خدا (ص) به آن حضرت واگذار شد، از اموال شخص رسول‌خدا (ص) بود.(۱)این موضوع چنان روشن بود که حتی خلیفه دوم نیز بر اختصاص آن به رسول‌خدا (ص) اعتراف کرده است. (۲)

پس از آنکه آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ وَ الْمِسْكِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ. . . (اسراء: ۲۶) نازل شد، رسول‌خدا (ص) فدك

۱- السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۵۳؛ تاریخ، خلیفة بن‌خیاط، ص ۳۹؛ المحبر، محمد بن حبیب، ص ۱۲۱؛ المعارف، ص ۱۶۲؛ فتوح‌البلدان، بلاذری، صص ۳۸و۳۹؛ تاریخ، طبری، ج ۳، ص ۱۵.

۲- المغازی، ج ۱، ص ۳۷۸.

ص:۷۷

را به حضرت فاطمه (علیها السلام) بخشید.(۱)

فدک دارای چشمه‌ای جوشان (۲)و سرزمینی حاصل‌خیز بود که تا زمان رحلت رسول‌خدا (ص) در اختیار حضرت فاطمه (علیها السلام) قرار داشت. اما پس از رحلت رسول‌خدا (ص) و پس از آنکه ابوبکر خلیفه شد، مأموران ابوبکر، کارگزاران حضرت فاطمه (علیها السلام) را از فدک اخراج و آنجا را غصب کردند. حضرت فاطمه (علیها السلام) چون از این موضوع باخبر شد به ابوبکر اعتراض کرد. اما ابوبکر با خواندن روایتی نادرست و ساختگی از رسول‌خدا (ص) ، به اعتراض آن حضرت اعتنا نکرد. روایت ساختگی ابوبکر این بود که رسول‌خدا (ص) فرمود:

اِنّا معاشِرَ الأنبیاءِ لا نُورثُ ما ترکنا صَدَقةٌ.

از ما پیامبران، ارث برده نمی‌شود و آنچه برجا می‌گذاریم صدقه است.

پس از این، حضرت فاطمه (علیها السلام) بر او غضب کرد و پس از شش ماه با همین غضب از دنیا رفت (۳)

۱- فتوح‌البلدان، ص ۴۲؛ مسند، ابویعلی موصلی، ج ۲، ص ۳۳۴؛ شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۴۴۳؛ الدرالمنثور، ج ۴، ص ۱۷۷.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸.

۳- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ المسند، احمدبن‌حنبل، ج ۱، ص۶؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ السنن الکبری، ج ۶، ص ۳۰۱.

ص:۷۸

درحالی که با ابوبکر سخن نگفت.(۱)

بر پایه گزارشی دیگر، پس از آنکه ابوبکر ادعا کرد که فدک از اموال رسول‌خدا (ص) نبوده، بلکه از اموال مسلمانان است، حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «هرگز با تو سخن نمی گویم و خداوند را ضدّ شما می‌خوانم» .

هنگامی که زمان رحلت آن حضرت فرا رسید، وصیت کرد که ابوبکر در نماز بر ایشان حاضر نشود و شبانه به خاک سپرده شود.(۲)

بنابر نقلی، پس از رفتار آن دو با حضرت فاطمه (علیها السلام) ، چون آنان خواستند خود را از این چالش نجات دهند، عمر به ابوبکر گفت: «بیا تا نزد فاطمه برویم که ما او را خشمگین کرده‌ایم» . آنان آمدند و اجازه ورود خواستند، اما آن حضرت به آن دو اجازه ورود نداد. آنان سپس نزد امام علی (ع) رفتند و از ایشان اجازه گرفتند و آن حضرت آنان را نزد حضرت فاطمه برد. اما همین که آن دو نزد آن حضرت نشستند، ایشان صورت خود را به سمت دیوار برگرداند و به آنان نگاه نکرد. آن دو، بر ایشان سلام کردند، اما

۱- الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۹۳؛ تاریخ المدینهٔ المنوره، ابن‌شبه، ج ۱، ص۱۹۷؛ صحیح ابن‌حبّان، ج ۱۴، ص ۵۷۳.

۲- السقیفهٔ و فدک، جوهری، صص ۱۰۱و۱۰۲؛ درباره به خاک‌سپردن شبانه ایشان در بخش دیگری سخن خواهیم گفت.

ص:۷۹

جواب آنان را نداد و فرمود:

خدا و ملائکه‌اش را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین کردید و مرا خشنود نکردید و اگر پیامبر (ص) را ملاقات کنم از شما شکایت خواهم کرد.

و خطاب به ابوبکر فرمود: «به خدا سوگند! در هر نمازی که می‌خوانم بر تو نفرین می‌کنم» .(۱)

همچنین بنابر نقلی، حضرت فاطمه (علیها السلام) به آنان فرمود: «اگر حدیثی از رسول‌خدا (ص) برایتان بخوانم، می‌پذیرید؟»

گفتند: «آری!» فرمود:

آیا نشنیدید رسول‌خدا (ص) فرمود: «خشنودی فاطمه، خشنودی من و خشم او خشم من است. هرکس فاطمه را خشنود کند، مرا خشنود کرده و هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است؟»

گفتند: «آری! شنیدیم» . فرمود:

پس من، خدا و ملائکه‌اش را شاهد می‌گیرم که شما مرا خشمگین کردید و خشنودم نساختید و اگر پیامبر (ص) را ملاقات کنم، حتماً از شما شکایت می‌کنم.

ابوبکر گفت: «من از خشم خدای متعال و از خشم

۱- الامامهٔ و السیاسه، ابن‌قتیبه، ص ۳۳.

ص:۸۰

تو ای فاطمه به خدا پناه می‌برم» . سپس شروع به گریستن کرد، چنان‌که نزدیک بود جان دهد. درحالی‌که حضرت فاطمه می‌فرمود: «به خدا سوگند! پس از هر نماز بر شما نفرین می‌کنم» . سپس ابوبکر بیرون رفت و چون مردم دور او جمع شدند، به آنان گفت: هر یک از شما شب را کنار همسر و خانواده خود، با شادمانی سپری می‌کنید و مرا به حال خود رها می‌کنید. من به بیعت شما نیاز ندارم. بیعت با من را رها کنید.(۱)

کسب رضایت و خشنودی حضرت فاطمه (علیها السلام) برای مسلمانان چنان اهمیت داشت که بسیاری از مسلمانان تا سال‌ها بدان پای‌بند بودند. برای نمونه، هنگامی که [ده‌ها سال بعد،] «عبدالله بن حسن مثنی» ، یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) ، که نوجوانی بیش نبود، در مجلسی بر «عمر بن عبدالعزیز» وارد شد، عمر بن عبدالعزیز به احترام او برخاست و از او استقبال کرد. در این هنگام اقوام عمر بن عبدالعزیز او را سرزنش کردند که چرا چنین کرده است. اما عمربن عبدالعزیز گفت:

۱- الامامهٔ و السیاسهٔ، ص ۱۴.

ص:۸۱

از شخص مورد اعتمادی شنیدم چنان‌که گویی از خود رسول‌خدا (ص) شنیدم که فرمود: «فاطمه پاره تن من است. آنچه او را مسرور کند، مرا مسرور خواهد کرد» . من می‌دانم که اگر فاطمه زنده بود، از این رفتاری که با فرزندش کردم، مسرور می‌شد.(۱)

به‌ویژه آنکه در نقلی دیگر آمده است:

رسول‌خدا (ص) به امیرمؤمنان علی (ع) ، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) نگاه کرد و فرمود: « اَنا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُم وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُم» .(۲)

یا آنکه این جمله را زمانی فرمود که به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) نگاه کرد. (۳)

از برخی گزارش‌های تاریخی برمی‌آید که غصب فدک، تنها غصب یک مزرعه نبود، بلکه نوعی زمینه‌سازی بود تا اهل‌بیت (علیهم السلام) هیچ‌گاه به فکر طلب حق خود که مهم‌ترین حق آنان خلافت بود، نیفتند. این موضوع به خوبی در گفت‌وگویی که میان

۱- فضل آل البیت، مقریزی، ص ۹۹؛ الصواعق المحرقه، ابن‌حجر، ص ۱۰۷.

۲- «با کسی که با شما بجنگد در جنگم، و با کسی که با شما صلح کند در صلح و آشتی هستم» . مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۲؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۴۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳- المصنف، ابن ابی‌شیبه، ج ۷، ص ۵۱۲؛ صحیح ابن‌حبّان، ج ۱۵، ص۴۳۴.

ص:۸۲

«ابن‌ابی‌الحدید» و استادش صورت گرفته، منعکس شده است. (۱)

ج) سقط فرزند

از نکات قابل بررسی و مورد اختلاف گزارش‌های تاریخی، موضوع سقط فرزند حضرت فاطمه (علیها السلام) در پایان عمر مبارکشان، در جریان هجوم به خانه آن حضرت است. با آنکه برخی از منابع اهل سنت به‌کلی این موضوع را منکر شده‌اند، اما قول مشهور و قطعی بین شیعه آن است که در جریان اهانت به آن حضرت، فرزند پسری از ایشان به نام «مُحَسَّن» [نه مُحْسِن] سقط شده است. اتفاقاً شماری از منابع قابل اعتنا از اهل سنت نیز به این موضوع اشاره کرده و برخی از آنان حتی نام او را مطابق آنچه در میان شیعیان شهرت دارد، آورده‌اند.

شاید مهم‌ترین خبری که در این‌باره وجود داشته و امروزه از میان رفته است، خبر «ابن‌قتیبه دینوری» (م۲۷۹) باشد. «ابن‌شهرآشوب» (م۵۸۸) به نقل از کتاب «المعارف» ابن‌قتیبه می‌نویسد: «محسّن بر اثر زخمی سقط شد که به سبب ضربه «قُنْفُذ عدوی» (غلام

۱- ر. ک: شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۴.

ص:۸۳

عمر بن خطاب) به حضرت فاطمه (علیها السلام) به وجود آمد» .(۱)

متأسفانه در چاپ موجود المعارف، این خبر وجود ندارد و به جای آن «محسّن بن علی» یکی از پسران امیرمؤمنان (ع) شمرده شده که در زمان خردسالی درگذشته است.(۲)

روشن است که این خبر، تحریف شده است و خبر اصلی در نسخه‌های جدید کتاب المعارف وجود ندارد. با این خبر، تنها نام پسر امیرمؤمنان (ع) ثابت می‌شود. البته رحلت او در خردسالی، مطلبی عجیب است که می‌توان گفت به هنگام تحریف، جایگزین خبر سقط‌شدن محسّن شده است؛ به‌ویژه آنکه در پاره‌ای از منابع اهل سنت اشاره شده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) بر اثر هجوم یا ضربه به آن حضرت فرزند خود را سقط کرد و می‌تواند تأیید نقل ابن‌قتیبه باشد.

برای نمونه، «شهرستانی» (م۵۴۸) به نقل از «نظّام» چنین گوید: «عمر در روز بیعت [برای ابوبکر] به شکم فاطمه (علیها السلام) ضربه‌ای زد که بر اثر آن، جنین آن حضرت سقط شد» . (۳)

۱- مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۱۳۳.

۲- المعارف، ص ۲۱۱.

۳- الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۵۹؛ صفدی م ۷۶۴ نیز به همین خبر اشاره کرده است؛ ر. ک: الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷.

ص:۸۴

«مَقْدِسی» (م۵۰۷) نیز به این خبر اشاره کرده است، اما آن را به شیعه نسبت می‌دهد و می گوید: «بیشتر صاحبان آثار، محسّن را نمی‌شناسند» .(۱)

ابن ابی‌الحدید (م۶۵۶) با صراحت به این موضوع اشاره نکرده است، اما می گوید:

هنگامی که زینب (دختر یا ربیبه رسول‌خدا (ص)) از مکه خارج شد و «هبّار بن اسود» او را ترساند به طوری که جنین او سقط شد، رسول‌خدا (ص) خون هبّار را مباح شمرد. روشن است که اگر رسول‌خدا (ص) در قید حیات بود، خون کسی که حضرت فاطمه (علیها السلام) را ترسانده و باعث سقط جنینش شده است، مباح می‌دانست.(۲)

«ذهبی» (م۷۴۸) هم در شرح حال «احمد بن محمد محدّث» گوید:

نزد او حاضر بودم که مردی به او می گفت: «عمر با لگد به فاطمه (علیها السلام) ضربه زد تا آنکه او محسّن را سقط کرد» .(۳)

افزون بر این، «جُوَیْنی» (م۷۳۰) در گزارشی

۱- البدء و التاریخ، مقدسی، ج ۵، ص ۲۰.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۴، ص ۱۹۳.

۳- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹؛ چنان که ابن‌حجر نیز به همین خبر اشاره کرده است؛ ر. ک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸.

ص:۸۵

طولانی از «ابن‌عباس» از رسول‌خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت با اشاره به مشکلات و مصیبت‌هایی که برای حضرت فاطمه (علیها السلام) پیش خواهد آمد، کسانی را که باعث ستم و غصب حق ایشان شدند، لعنت کرد و از خداوند برای کسی که سبب ضربه به آن حضرت و سقط جنین ایشان شد، آتش جاودان درخواست کرد و ملائکه نیز آمین گفتند.(۱)

د) شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از عمری بسیار کوتاه، اما پربرکت رحلت کرد و بنابر نظر مشهور شیعه به شهادت رسید. همان‌گونه که در زمان تولد ایشان اختلاف‌نظر وجود دارد، در زمان شهادت و مدت زندگی ایشان نیز اختلاف است.

بنابر نظر مشهور شیعه، ایشان در روز سوم جمادی‌الثانیه سال یازده هجری در سن هجده سالگی به شهادت رسید که براساس آنکه رسول‌خدا (ص) در روز بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم رحلت کرده باشد، حضرت فاطمه (علیها السلام) ۹۵ روز پس از پدر بزرگوارشان از دنیا رفته است

۱- فرائد السمطین، جوینی، ج ۲، صص ۳۴ و ۳۵.

ص:۸۶

اما در این‌باره، اقوال مختلف دیگری نیز وجود دارد. شـهادت ایشان را یک‌ماه(۱)، چهل روز(۲)، دوماه(۳)، هفتاد روز (۴)، ۷۵ روز (۵)، سه ماه (۶)، نود روز (۷)، ۹۵ روز (۸)، یکصد روز(۹)، چهار ماه (۱۰)، پنج ماه (۱۱)، ده روز کمتر از شش ماه (۱۲)، دو روز کمتر از شش ماه (۱۳)، شش ماه (۱۴)، هشت ماه (۱۵)و چند ماه (۱۶)پس از رسول‌خدا (ص) آورده‌اند که به تناسب همین اختلاف و نیز به سبب اختلاف در زمان ولادت آن حضرت، سن ایشان را نیز

۱- فتح الباری، ج ۷، ص ۸۲.

۲- تذکرهٔ الخواص، سبط بن جوزی، ص ۲۶۸؛ ذخائر العقبی، طبری، ص ۵۲.

۳- المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۳؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.

۴- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۸.

۵- ذخائر العقبی، ص ۵۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.

۶- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۲؛ دلائل‌النبوه، ج ۶، ص۳۶۵.

۷- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.

۸- الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، ص ۱۵۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.

۹- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۲.

۱۰- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.

۱۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱.

۱۲- تذکرهٔ الخواص، ص ۲۶۷.

۱۳- تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۲.

۱۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.

۱۵- دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.

۱۶- سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۲۵۴.

ص:۸۷

به هنگام شهادتشان، حدود ۱۸ سال (۱)، ۲۱ سال (۲)، ۲۴سال (۳)، ۲۵ سال(۴)، ۲۷سال (۵)، ۲۸ سال (۶)، ۲۸ سال و شش ماه (۷)، ۲۹ سال(۸)، ۳۰سال(۹)، و ۳۵ سال (۱۰)هم گفته‌اند.

البته همان‌گونه که بیان شد، نظر مشهور شیعه بر هجده سال بودن ایشان به هنگام شهادت است و با شواهدی که در بخش مربوط به ولادت بیان شد، می‌توان حداکثر سن ایشان را ۲۱ سال دانست که برخی منابع یادشده هم بدان اشاره کرده‌اند. البته آن دسته از منابع اهل سنت که ولادت ایشان را پنج سال پیش از بعثت و در ۳۵ سالگی رسول‌خدا (ص) آورده‌اند

۱- الهدایهٔ الکبری، خصیبی، ص ۱۷۶؛ خصیبی سنّ ایشان را دقیقاً هجده سال و دو ماه و ۲۵ روز آورده است.

۲- کتاب الثقات، ج ۳، ص ۳۳۴؛ المنتظم، ابن‌جوزی، ج ۴، ص ۹۵؛ فتح‌الباری، ج ۷، ص ۸۲.

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۸۲.

۴- جمهرهٔ انساب العرب، ابن‌حزم، ص ۱۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱.

۵- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۱۱.

۶- تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۹۲.

۷- تذکرهٔ الخواص، ص ۲۶۸.

۸- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۰؛ تاریخ مدینهٔ دمشق، ج ۳، ص۱۵۷؛ تذکرهٔالخواص، ص ۲۶۸.

۹- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تذکرهٔ الخواص، ص ۲۶۸.

۱۰- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۳.

ص:۸۸

و سن ایشـان را به هنگام شـهادت ۲۴ یا ۲۵ سال یا ۲۷سال ذکر کرده‌انـد، ناخواسـته دچار ناهماهنگی و تضاد شده‌اند؛ زیرا اگر آن حضـرت پنج سال پیش از بعثت به دنیا آمده باشد، باید به هنگام شـهادت ۲۸سال داشـته باشد که تعداد بسیار اندکی از این منابع به ۲۸ سال(۱)، یا ۲۸ سال و شـش ماه(۲)اشـاره کرده‌انـد که آن نیز به دلیـل اینکه ولاـدت ایشان پیش از بعثت و معراج درست نیست، نمی‌تواند قابل قبول باشد.

به‌هرحال، منابع تاریخی، گزارشی را از خادم رسول‌خدا (ص) [که به احتمال خادم حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز بوده است] نقل کرده‌انـد که لحظات جانگداز پایان عمر دختر رسول‌خدا (ص) را حکایت می‌کند که چه غریبانه از دنیا رفت. البته منابع موجود، نام این خادم را که راوی این گزارش‌ها و شاهد ماجرا بوده است، سَلْمی (۳)، امسَلْمی (۴)، امسلمه(۵)، سلمه(۶)، امرافع (۷)و

۱- تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۹۲.

۲- ر. ک: تذکرهٔ الخواص، ص ۲۶۸.

۳- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲؛ الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، ص ۱۵۴.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۶۱؛ اسدالغابه، ابن‌اثیر، ج ۷، ص ۳۳۲.

۵- کشف الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۴۹.

۶- تنقیح التحقیق، ذهبی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۷- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.

ص:۸۹

اسماء بنت عُمَیْس (۱)ثبت کرده‌اند.

از نظر برخی منابع، چون اسماء بنت عُمَیْس همسر ابوبکر بوده است، بعید می‌نماید که در خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) بوده باشد.(۲)شاید به همین دلیل است که برخی منابع، وی را سلمی بنت عمیس، خواهر اسماء دانسته‌اند. (۳)

اما گزارشی دیگر بیانگر آن است که عایشه پس از شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) قصد ورود به خانه آن حضرت را داشت، اما اسماء بنت عمیس مانع او شد و چون عایشه نزد ابوبکر شکایت کرد، ابوبکر از اسماء دراین‌باره توضیح خواست و او گفت که بنابر وصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) ، به کسی اجازه ورود به خانه‌اش را نمی‌دهد و ابوبکر نیز کار او را تأیید کرد. (۴)ازاین‌رو بعید نیست اسماء در خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) بوده باشد؛ به‌ویژه آنکه همکاری اسماء با امیرمؤمنان (ع) برای تجهیز و خاک‌سپاری حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز مشهور و معتبر است.(۵)با این حال، چون بیشتر منابع

۱- احقاق الحق، مرعشی، ج ۳۳، ص ۳۸۶.

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۶.

۳- ر. ک: حیاة الامام الحسین ع ، شریف قرشی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۴- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱؛ اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۲۱.

۵- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.

ص:۹۰

یادشده، نام این خادم را سلمی یا ام‌سلمی گفته‌اند و در شمار خادمان رسول‌خدا (ص) از سلمی (مادر رافع یا ابورافع) یاد کرده و شرح حال او را آورده‌اند(۱)، نیز در گزارشی، سلمی در کنار اسماء و امیرمؤمنان (ع) در غسل‌دادن حضرت فاطمه (علیها السلام) مشارکت داشته است، (۲)به نظر می‌رسد، هم سلمی [مادر ابورافع نه سلمی بنت عمیس] و هم اسماء هر دو در روزهای پایانی عمر حضرت فاطمه (علیها السلام) در خدمت ایشان بوده‌اند، اما این گزارش از سلمی نقل شده است.

به هر صورت، از سلمی نقل کرده‌اند که گفت:

حضرت فاطمه (علیها السلام) در روزی که از دنیا رفت، پیش از رحلتش به من فرمود: «برایم آبی بیاور تا غسل کنم» . آب آوردم و او به بهترین صورت غسل کرد و فرمود: «لباس‌های نو برایم بیاور و بستر مرا میان خانه قرار ده» . چنین کردم و آن حضرت رو به قبله خوابید و دست‌های خود را زیر صورتش گذاشت و فرمود: «اکنون جان مرا می‌گیرند، درحالی‌که غسل کرده‌ام. پس کسی کتف مرا آشکار نکند» . سلمی گوید: «چون امام علی (ع) آمد، این سخن را به او گفتم، فرمود: «به

۱- ر. ک: البدایهٔ و النهایه، ج ۵، ص ۳۵۰.

۲- همان، ص ۳۲۹.

ص:۹۱

خدا سوگند! کسی جامه از کتف او کنار نخواهد زد و ایشان را برد و با همان غسل او را به خاک سپرد» .(۱)

البته درباره درستی این خبر که ایشان را دوباره غسل دادند یا نه، باید توجه داشت که خبر یادشده یک گزارش تاریخی است که به تنهایی نمی‌تواند مستند استنباط حکم فقهی قرار گیرد یا محتوای این خبر را اثبات کند. این خبر به این علت بیان شد که در منابع کهن تاریخی اهل سنت آمده است و بیانگر نهایت مظلومیت دختر پیامبر (ص) است؛ زیرا این پرسش پیش می‌آید چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) درخواست کرده است که جامه از کتفش کنار نزنند؟

چنان‌که بنابر نقلی دیگر، آن حضرت هنگام رحلت غسل کرد و کفن پوشید و به امام علی (ع) سفارش کرد که پس از رحلتش، کفن او را باز نکند و با همان کفن او را به خاک سپارد. (۲)موضوع مهم دیگر آن است که براساس اخبار معتبر در منابع اهل سنت، آن حضرت شبانه دفن شد. (۳)با آنکه این موضوع جای بررسی و کنکاش جدی دارد، بسیار شگفت‌انگیز است

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱.

۳- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۴؛ المصنف، ج ۳، ص۳۱؛ تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کتاب الثقات، ج ۳، ص ۳۳۴.

ص:۹۲

که چرا هیچ‌یک از این منابع به بررسی چنین موضوعی نپرداخته‌اند که چرا آن حضرت را شبانه دفن کردند.

از نکات قابل توجه و عبرت‌آموز این است که آن حضرت پیش از رحلت، بسیار نگران بود که به هنگام تشییع جنازه‌اش، حجم پیکر ایشان دیده شود. ازاین‌رو، چون در این‌باره با اسماء بنت عمیس سخن گفت، اسماء به ایشان پیشنهاد کرد که همچون دیار حبشه از تابوت استفاده شود و آن حضرت از این پیشنهاد بسیار خشنود شد. گفته‌اند نخستین تابوت، برای ایشان ساخته شد.(۱)

امام علی (ع) ، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، ابوهریره، سلمهٔ بن اکوع، انس بن مالک، عایشه، ام‌سلمه و اسماء بنت عمیس از حضرت فاطمه (علیها السلام) روایت نقل کرده‌اند.(۲)

ه) آرامگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)

از مصیبت‌های عالم تشیع، بلکه عالم اسلام، پنهان‌بودن مزار یگانه دختر محبوب پیامبر (ص) است. در

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱.

۲- معرفهٔ الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۷.

ص:۹۳

اینجا تنها از جنبه تاریخی، البته به اختصار، به مطالبی اشاره خواهیم کرد. در منابع موجود، به محل دقیق آرامگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) اشاره نشده است و نمی‌توان مرقد آن حضرت را به‌طور دقیق معرفی کرد. اما در برخی از منابع، گزارش‌هایی وجود دارد که به محل دفن آن حضرت اشاره کرده است. البته به علت نادر بودن این گزارش‌ها و متعدد بودن مکان‌هایی که برای مرقد ایشان معرفی شده‌اند، یافتن آرامگاه دقیق ایشان ممکن نیست و تنها می‌توان احتمال داد که مرقد ایشان در این چند نقطه قرار دارد.

مکان نخست: براساس برخی اخبار، یکی از این نقاط، خانه خود حضرت فاطمه (علیها السلام) است.(۱)

مکان دوم: روضه شریفه مسجدالنبی (ص) است. (۲)

مکان سوم: قبرستان بقیع در مدینه منوره است.(۳)

برخی منابع گفته‌اند مرقد ایشان در محلی از بقیع(۴)یا در گوشه سمت راست خانه «عقیل بن ابی‌طالب»

۱- تاریخ المدینهٔ المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ترجمهٔ الامام الحسین ع ، ابن‌عساکر، ص۲۰۶؛ مناقب، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲- المقنعه، مفید، ص ۴۵۹؛ مناقب، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳- تاریخ المدینهٔ المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷.

۴- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۴۸؛ معرفهٔ الصحابه، ج ۶، ص۳۱۸۷.

ص:۹۴

در بقیع یا در خروجی کوچه‌ای بین خانه عقیل و خانه «ابونبیه» واقع شده است.(۱)

بنـابر نقلی دیگر، آن حضـرت نزد مسـجدی در بقیع دفن شـده است که در آنجا بر مردگان نماز می‌خواندنـد. اما برخی گفته‌انـد در گوشه خـانه عقیل در کنار خانه جحشـی‌ها رو به قبله در خروجی بنی‌نبیه از «بنی‌عبدالـدار» در بقیع دفن شـد و بین قبر او تا راه هفت ذراع فاصـله است. «مغیرهٔ بن عبدالرحمان بن حارث بن هشام» قصد داشت این خانه را به هر قیمتی خریداری کند، اما فرزندان عقیل آن را نفروختند.(۲)

به گفته مسعودی (صاحب کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر) تا زمان وی (حدود سال ۳۴۰ه. ق) تکه کوزه‌ای در بقیع وجود داشته است که روی آن نوشته بود: «این قبر فاطمه (علیها السلام) است» . (۳)

مهم‌ترین پرسش پس از شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) این است که چرا مزار آن حضرت پنهان ماند و همچنان پنهان است.

۱- تاریخ المدینهٔ المنوره، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵.

۳- التنبیه و الاشراف، مسعودی، ص ۲۶۰.

ص:۹۵

متأسفانه از گزارش‌های تاریخی، نمی‌توان پاسخ روشنی برای این پرسش یافت. اما با استفاده از برخی گزارش‌ها و شواهد می‌توان بدان پاسخ داد.

مهم‌ترین دلیلی که برای پنهان ماندن مرقد آن حضرت مطرح شده، وصیت خود حضرت فاطمه (علیها السلام) است که پیش از شهادت وصیت کرد هیچ‌یک از کسانی که آن حضرت از آنان ناخشنود بود، در تشییع پیکر، اقامه نماز و دفن او حضور نیابند.

اما پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که وی آنان را از حضور در این مراسم منع کرد. اما چرا پس از دفن آن حضرت، همچنان مزار ایشان پنهان ماند؟ چرا پنهان ماندن مرقد ایشان چنان اهمیت داشت که صورت چند قبر برای ایشان ساختند که قبر اصلی شناخته نشود؟

به نظر می‌رسد اگر آنان که حضرت فاطمه (علیها السلام) از آنان ناراضی بود تنها از حضور در مراسم تجهیز و تدفین آن حضرت منع می‌شدند و سپس مزار آن حضرت برای همگان آشکار می‌شد، تاریخ به خوبی نمی‌توانست آن نارضایتی حضرت فاطمه (علیها السلام) را در دل خود ثبت کند و این ناخشنودی که براساس روایات، ملاک تشخیص سعادت و شقاوت افراد بود، به مرور

ص:۹۶

زمان فراموش یا دچار تحریف یا تبـدیل و حـذف می‌شد. بنابراین، مرقد پاک دختر یگانه رسول‌خدا (ص) برای همیشه پنهان ماند تا همگـان در طـول تاریـخ بداننـد دنیاپرسـتان چـه ظلم سـنگینی را بر آن حضـرت روا داشـتند و نخسـتین سـنگ بنـای ظلم بر خانـدان رسول‌خدا (ص) را چه ظالمانه بنیان نهادند.

ص:۹۷

آموزه‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

زندگی انسان‌های بزرگ و کامل، به‌ویژه آنان که به منبع وحی اتصال دارند، مانند پیامبران و امامان به سبب ویژگی‌هایی که دارند سراسر الگو و درس برای دیگران است. زندگی کوتاه حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز، درس‌های بسیار باارزشی را برای بشر، به‌ویژه برای شیعیان به یادگار گذاشته است. گذشته از درس‌های رفتاری آن حضرت که تعالیم بسیاری را از اعمال و رفتار آن حضرت می‌توان آموخت، آن حضرت در قالب گفتار نیز آموزه‌های ارزنده‌ای دارد که در دو بخش سخنان و خطبه‌های ایشان، قابل بررسی است.

سخنان ایشان همان روایاتی است که به مناسبت‌های مختلف از ایشان نقل شده است.

در سال‌های اخیر، برخی نویسندگان در صدد

ص:۹۸

گردآوری سخنان حضرت فاطمه (علیها السلام) برآمدند و مسندهایی نیز تدوین شده است که هر کدام ممکن است کاستی‌ها یا امتیازاتی داشته باشند. با توجه به آنکه کوتاه‌نویسی در این نوشتار، پسندیده است و بیان سخنان آن حضرت، مجال بیشتری می‌طلبد، ازاین‌رو، بدون آنکه در مقام بررسی این کتاب‌ها باشیم، علاقه‌مندان را به کتاب‌های یاد شده که با عنوان مسند و مانند آن سامان یافته‌اند، ارجاع می‌دهیم.(۱)

۱- ر. ک: مسند فاطمة الزهراء، حسین شیخ‌الاسلامی؛ مسند فاطمه زهرا علیها السلام ، عزیزالله عطاردی؛ مسند فاطمه علیها السلام ، مهدی جعفری.

ص:۹۹

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. الآحاد و المثانی، عمرو بن ابی‌عاصم، تحقیق: باسم فیصل احمد جوابرة، دارالدرایة، ۱۴۱۱ه. ق.

۲. احیاء علوم الدین، ابوحامد، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۳. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۴. اسدالغابه فی معرفة الصحابه، علی بن محمد بن اثیر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۵. الاسرار الفاطمیه، محمدفاضل مسعودی، تحقیق: السید عادل علوی، قم، مؤسسة الزائر، ۱۴۲۰ه. ق.

۶. الاصابة فی تمییز الصحابه، احمدبن علی بن حجر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ه. ق.

۷. أعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت، دار التعارف.

۸. الامالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثه، قم، دارالثقافه للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ه. ق.

ص:۱۰۰

۹. الامالی، محمد بن علی (شیخ صدوق) ، قم، مؤسسهٔ البعثه، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۰. الامامهٔ و السیاسه، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، قم، منشورات رضی و منشورات زاهدی، ۱۳۶۳ه. ش.

۱۱. امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۲. أنساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی) ، عبدالله بن عمر بیضاوی، بیروت، دارالفکر.

۱۴. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، موسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

۱۵. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، مکتبهٔ الثقافهٔ الدینیه.

۱۶. البدایهٔ و النهایهٔ، ابوالفداء اسماعیل بن‌کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ه. ق.

۱۷. تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۰ه. ق.

۱۸. تاریخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.

۱۹. تاریخ المدینهٔ المنوره، عمر بن شبه نمیری، تحقیق: حبیب محمود احمد، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۰. تاریخ الیعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.

۲۱. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ه. ق.

۲۲. تاریخ مدینهٔ دمشق، علی بن الحسن بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.

ص:۱۰۱

۲۳. التاریخ، خلیفهٔ بن خیاط، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۴. تذکرهٔ الخواص، یوسف بن قزاغلی سبط بن جوزی، قم، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۸ه. ق.

۲۵. تفسیر القرآن العظیم، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دارالمعرفهٔ،۱۴۱۲ه. ق.

۲۶. تفسیر الکبیر، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۲۷. تفسیر النسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد نسفی، بی‌نا، بی‌تا.

۲۸. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد الکاظم، تهران، وزارهٔ الثقافهٔ و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۹. تفسیر ابن عربی، محیی‌الدین بن عربی، تحقیق: عبدالوارث محمد علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ه. ق.

۳۰. تفسیر السمعانی، منصور بن محمد سمعانی، تحقیق: یاسربن ابراهیم و غنیم‌بن عباس، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۸ه. ق.

۳۱. التمهید، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق: مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر البکری، مغرب، وزارهٔ عموم الاوقاف، ۱۳۸۷ه. ق.

۳۲. التنبیه والاشراف، علی بن الحسین مسعودی، تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی.

۳۳. تنقیح التحقیق فی احادیث التعلیق، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: مصطفی ابوالغیط عبدالحی عجیب، ریاض، دارالوطن، ۱۴۲۱ه. ق.

۳۴. تهذیب التهذیب، احمدبن علی بن‌حجر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه. ق.

۳۵. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ابوالحجاج یوسف مِزّی، تحقیق: سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ه. ق.

ص:۱۰۲

۳۶. جامع البیان، محمد بن جریر طبری، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه. ق.

۳۷. الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، تحقیق: احمد عبدالعلیم البردونی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ه. ق.

۳۸. جمهرهٔ النسب، هشام بن محمد بن کلبی، تحقیق: محمود فردوس العظم و محمود فاخوری، دمشق، داراليقظه.

۳۹. جمهرهٔ انساب العرب، علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ه. ق.

۴۰. حلیهٔ الاولیاء، احمد بن عبدالله ابونعیم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ه. ق.

۴۱. حیاهٔ الإمام الحسین (ع) ، باقر شریف قَرْشی، نجف، الآداب، ۱۳۹۴ه. ق.

۴۲. الخصائص الفاطمیه، محمدباقر کجوری، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف، قم، شریف رضی، ۱۳۸۰ه. ق.

۴۳. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالمعرفه.

۴۴. الدر النظیم فی مناقب الائمهٔ، جمال الدین یوسف بن حاتم‌بن‌حاتم عاملی، قم، جماعهٔ المدرسین.

۴۵. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری (شیعی) ، قم، مؤسسهٔ البعثه، ۱۴۱۳ه. ق.

۴۶. دلائل النبوهٔ، احمد بن الحسین بیهقی، تحقیق: عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ه. ق.

۴۷. ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله طبری، قاهره، مکتبهٔ القدسی، ۱۳۵۶ه. ق.

۴۸. الذرّیهٔ الطاهرهٔ النبویه، محمد بن احمد دولابی، تحقیق: سعدالمبارک الحسن، کویت، الدارالسلفیه، ۱۴۰۷ه. ق.

ص:۱۰۳

۴۹. ذکر اخبار اصبهان، احمد بن عبدالله ابونعیم، لیدن، مکتبهٔ بریل، ۱۹۳۴ه. ق.

۵۰. سؤالات حمزهٔ بن یوسف، ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی، تحقیق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ریاض، مکتبهٔ المعارف، ۱۴۰۴ه. ق.

۵۱. سبل الهدی و الرشاد فی سیرهٔ خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه. ق.

۵۲. السقیفهٔ و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، تحقیق: محمدهادی الامینی، بیروت، شرکهٔ الکتبی، ۱۴۱۳ه. ق.

۵۳. السنن الکبری، احمد بن الحسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه. ق.

۵۴. السنن الکبری، احمد بن شعیب نسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۵۵. سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ه. ق.

۵۶. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت، دارالفکر.

۵۷. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: شعیب الارنؤوط و حسین الاسد، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۱۳ه. ق.

۵۸. السیرهٔ النبویه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۶ه. ق.

۵۹. السیرهٔالنبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ص:۱۰۴

۶۰. شرح احقاق الحق، شهاب‌الدین مرعشی نجفی، تحقیق: سیدابراهیم میانجی، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

۶۱. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن‌ابی‌الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ه. ق.

۶۲. شواهد التنزیل، عبیدالله بن احمد حسکانی، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، وزارهٔ الثقافهٔ و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ه. ق.

۶۳. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن‌حبّان، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۱۴ه. ق.

۶۴. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ه. ق.

۶۵. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.

۶۶. الصواعق المحرقه فی الردّ علی اهل البدع و الزندقه، احمد بن محمد بن‌حجر، قاهره، مکتبهٔ القاهره، ۱۳۸۵ه. ق.

۶۷. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ه. ق.

۶۸. علل الشرایع، محمد بن علی (شیخ صدوق) ، نجف، المکتبهٔ الحیدریه، ۱۳۸۶ه. ق.

۶۹. عمدهٔ القاری فی شرح صحیح بخاری، بدرالدین محمود عینی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۷۰. عیون اخبار الرضا (ع) ، محمد بن علی (شیخ صدوق) ، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی، ۱۴۰۴ه. ق.

۷۱. فتح الباری شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن‌حجر، بیروت، دارالمعرفهٔ.

۷۲. فتح القدیر، محمد بن علی شوکانی، عالم الکتب.

۷۳. فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، بیروت، دار و مکتبهٔ الهلال، ۱۹۸۸م.

ص:۱۰۵

۷۴. الفصول المهمهٔ فی معرفهٔ الائمه، علی بن محمد بن صباغ، تحقیق: سامی الغریری، قم دارالحدیث، ۱۴۲۲ه. ق.

۷۵. فضائل الصحابه، احمد بن شعیب نسائی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۷۶. فضائل سیدهٔ النساء، عمر بن احمد بن شاهین، تحقیق: ابواسحاق الحوینی الاثری، قاهره، مکتبهٔ التربیهٔ الاسلامیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۷۷. فضل آل البیت، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: سیدعلی عاشور.

۷۸. فیض القدیر، محمد عبدالرؤف مناوی، تحقیق: احمد عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه. ق.

۷۹. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، تحقیق: مؤسسهٔ آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ه. ق.

۸۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ه. ش.

۸۱. کتاب الثقات، محمد ابن‌حبّان، حیدرآباد هند، مؤسسهٔ الکتب الثقافهٔ، ۱۳۹۳ه. ق.

۸۲. کتاب الدعاء، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ه. ق.

۸۳. کتاب المزار، محمد بن محمد مفید، تحقیق: سیدمحمدباقر ابطحی، قم، المؤتمر العالمی لألفیهٔ الشیخ المفید، ۱۴۱۳ه. ق.

۸۴. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی، ۱۴۰۹ه. ق.

۸۵. الکشاف، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶ه. ق.

۸۶. کشف الغمّه فی معرفهٔ الائمّه، علی بن عیسی اربلی، تبریز، مکتبهٔ بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ه. ق.

ص:۱۰۶

۸۷. الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی) ، ابواسحاق احمد ثعلبی، تحقیق: ابی‌محمدبن عاشور و نظیر الساعدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ه. ق.

۸۸. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ه. ق.

۸۹. لسان المیزان، احمدبن علی بن‌حجر، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ه. ق.

۹۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی‌بکر هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ه. ق.

۹۱. المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، تصحیح: سیّد کسروی حسن، قاهره، دارالغد العربی، ۱۴۲۱ه. ق.

۹۲. المحلّی، علی بن احمد بن‌حزم، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالآفاق الجدیده.

۹۳. مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، قم، مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۰۹ه. ق.

۹۴. مسارّ الشیعه، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مهدی نجف، قم، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ه. ق.

۹۵. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق: یوسف المرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ه. ق.

۹۶. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

۹۷. مسند ابی‌داود، ابوداود طیالسی، بیروت، دارالمعرفه.

۹۸. مسند ابی‌یعلی، احمد بن علی ابویعلی موصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، دارالمامون للتراث.

۹۹. مصباح المتهجد، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، ۱۴۱۱ه. ق.

ص:۱۰۷

۱۰۰. المصنف، ابن همام عبدالرزاق صنعانی، تحقیق: حبیب‌الرحمان الاعظمی، المجلس العلمی.

۱۰۱. المصنف، عبدالله بن محمد بن‌ابی‌شیبه، تحقیق: سعید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ه. ق.

۱۰۲. المعارف، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشهٔ، قاهره، دارالمعارف.

۱۰۳. معانی الاخبار، محمد بن علی (شیخ صدوق) ، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، جماعهٔ المدرسین، ۱۴۱۶ه. ق.

۱۰۴. معجم البلدان، ابوعبدالله بن عبدالله یاقوت حموی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ه. ق.

۱۰۵. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبهٔ ابن‌تیمیهٔ.

۱۰۶. معجم ما استعجم، عبدالله بن عبدالعزیز بکری، تحقیق: مصطفی سقا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ه. ق.

۱۰۷. معرفهٔ الصحابهٔ، احمد بن عبدالله ابونعیم، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹ه. ق.

۱۰۸. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، نجف، المکتبهٔ الحیدریه، افست قم، مؤسسهٔ دارالکتاب، ۱۳۸۵ه. ق.

۱۰۹. مقتل الحسین، موفق بن احمد خوارزمی، تحقیق: شیخ محمد السماوی، قم، انوارالهدی، ۱۴۱۸ه. ق.

۱۱۰. المقنعهٔ، محمد بن محمد مفید، قم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ه. ق.

۱۱۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸ه. ق.

۱۱۲. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، تخریج: محمد فتح الله بدران، قاهره، مکتبهٔ الانجلو المصریه.

ص:۱۰۸

۱۱۳. مناقب آل أبی‌طالب، محمد بن علی بن شهرآشوب، تحقیق: لجنهٔ من اساتذهٔ النجف الاشرف، نجف، مکتبهٔ الحیدریه، ۱۳۷۶ه. ق.

۱۱۴. مناقب علی بن ابی‌طالب و ما نزل من القرآن فی علی، ابوبکربن مردویه، جمع و تقدیم: عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۴ه. ق.

۱۱۵. المناقب، موفق بن احمد خوارزمی، تحقیق: مالک المحمودی، قم، جماعهٔ المدرسین، ۱۴۱۱ه. ق.

۱۱۶. المنتظم، عبدالرحمان ابن‌جوزی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ه. ق.

۱۱۷. الموطأ، مالک بن انس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ه. ق.

۱۱۸. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفهٔ، ۱۳۸۲ه. ق.

۱۱۹. النوادر، فضل الله راوندی، تحقیق: سعیدرضا علی عسکری، قم، مؤسسهٔ دارالحدیث الثقافیه.

۱۲۰. الهدایهٔ الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، مؤسسهٔ البلاغ، ۱۴۱۱ه. ق.

۱۲۱. الوافی بالوفیات، خلیل بن أیبک صفدی، کوشش: یوسف فان اس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱ه. ق.

۱۲۲. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: محمد رازی و ابوالحسن شعرانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».